



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهار و مهدویت

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه
الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بهار و مهدویت
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست
۱۴	مقدمه
۱۶	معنای نواز نوروز (حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)
۱۸	بخش اول: مقالات
۱۸	اشاره
۱۹	برترین بهار
۴۴	دعایی برای بهاری شدن
۴۸	روزگار شکوفایی انسان ها
۵۲	امام مهدی بهار ایام
۵۸	عید نوروز و آخرین مائده آسمانی
۶۵	سه بهار
۶۹	مبارک شما ببید
۷۳	عید و صلح رحم
۷۶	بهار یک دانشگاه بزرگ است
۸۰	بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است
۸۹	درختکاری برای وقف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۹۲	حکومت مهدوی و بهار دل انگیز معنویت
۹۸	بهار عالمیان و خرمی روزگاران
۱۰۰	وقتی نوروز، ناگهانی می آید!
۱۰۴	دید و بازدید عید و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

- ۱۱۰ مهدی موعود، بهار دل ها و جان ها
- ۱۲۳ نوروز، نه کهنه روز!
- ۱۳۱ نوروز و عهد با امام زمان
- ۱۳۹ بخش دوم: متن های ادبی
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۴۰ بهاریه
- ۱۶۱ طراوت بهاران
- ۱۶۸ درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: بهار و مهدویت / تهیه کننده دفتر مجله امان، [بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)].

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.

فروست: سری منشورات مجله امان.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۸۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - مقاله ها و خطابه ها

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Addresses, essays, lectures: موضوع

موضوع: مهدویت -- انتظار -- مقاله ها و خطابه ها

Mahdism -- *Waiting -- Addresses, essays, lectures: موضوع

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/ب ۱۳۹۵ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۴۵۷۰

ص: ۱

اشاره

از سری منشورات مجله امان

بهار و مهدویت

ص: ۳

بهار و مهدویت

□ تهیه کننده: دفتر مجله امان

□ ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

□ طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

□ نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۵

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۸۱-۱

□ شمارگان: هزار نسخه

□ قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

□ قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳

□ تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

□ www.mahdaviat.ir

□ info@mahdaviat.ir

□ Entesharatbonyad@chmail.ir

ص: ۴

معنای نواز نوروز (حضرت آیت الله العظمی خامنه ای) ۹

بخش اول. مقالات ۱۱

برترین بهار (دکتر محمدصابر جعفری) ۱۲

دعایی برای بهاری شدن (حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی) ۳۷

روزگار شکوفایی انسان ها (حسن ملایی) ۴۱

امام مهدی بهار ایام (سیدابوالفضل موسوی آقداش) ۴۵

عید نوروز و آخرین مائده آسمانی (رقیه سادات موسوی) ۵۱

سه بهار (حسین علی عبداللهی) ۵۸

مبارک شمایید (حمیده رضایی) ۶۱

عید و صله رحم (حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی) ۶۵

بهار یک دانشگاه بزرگ است (ناصر نقویان) ۶۸

بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است (گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی)

۷۲

درختکاری برای وقف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (حسین ژولیده) ۸۱

حکومت مهدوی و بهار دل انگیز معنویت (زهرا سبحانی) ۸۴

بهار عالمیان و خرمی روزگاران (محمد مهدی یآوری) ۹۰

وقتی نوروز، ناگهانی می آید! (یاسر آیین) ۹۲

دید و بازدید عید و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (فیض الله خشجان) ۹۶

مهدی موعود، بهار دلها و جان ها (دکتر رحیم کارگر) ۱۰۲

نوروز، نه کهنه روز! (علی نجفی) ۱۱۵

نوروز و عهد با امام زمان (علی اصغر رضایی) ۱۲۳

بخش دوم. متن های ادبی ۱۳۱

بهاریه (ابوالفضل فیروزی) ۱۳۲

طراوت بهاران (منیره زارعان) ۱۴۵

ص: ۶

مهدویت، از یک نگاه تنها به مجموعه محدودی از معارف مربوط به امام زمان گفته می شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه های آن است. اما با بررسی دقیق تر و جامع تر مجموعه گزاره هایی که در متون اسلامی درباره آن وجود دارد می توان نگاه وسیعتری را به مقوله مهدویت لحاظ نمود. از این منظر مهدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگاه دوم، همه موضوعات اسلامی و مسائل فردی و اجتماعی به حوزه مهدویت وارد می شوند با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصی که محور آن حضرت مهدی است ساماندهی و اولویت بندی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه ای بهره مند می شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمی شود و یا اندک خواهد بود.

ما معتقدیم که نگاه کامل به مهدویت همین نگاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شیعه، امامت کامل کننده دین و تمام کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشریه دو ماهنامه امان- که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و برخی دیگر از فضلا و فعالان بنام فرهنگی کشور است- از سال ۱۳۸۵ اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرتعداد نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی دیگر از جمله این موضوعات با نام: «بهار و مهدویت» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان

ص: ۸

معنای نو از نوروز (حضرت آیت الله العظمی خامنه ای)

نوروز، به معنای روز نو و حالت نو بوده و هست. از لحاظ طبیعت، روز اول حَمَل که اول بهار حساب شده است روزی نو محسوب می شود؛ لیکن روز نو، منحصر به تجدید وضعیتی در طبیعت نیست؛ همچنان که در بعضی از روایات وارد شده در باب نوروز از ائمه هدی علیهم السلام انسان، خوب احساس می کند که آن بزرگواران هم، بنا به رسم اسلام که همه جا رسوم و سنت ها و واژه ها را گرفت و محتوای آن ها را عوض کرد در مورد کلمه نوروز و روز نوروز، در صدد چنین کاری بودند...

آن وقت در معنای نوروز و اینکه نوروز چیست، در روایات مختلف، تعبیرات مختلفی هست. مثلاً آن روزی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را به خلافت منصوب کرد، آن روز، نوروز بود. یا در روایت دیگر، آن روزی که دَجَال در آخر الزمان، به دست حضرت مهدی ارواحنا فداه - به قتل برسد، آن روز، نوروز است... (۱)

نوروز، یعنی روزی نو در تاریخ بشر و حالتی نو در زندگی انسانها. علی الظاهر در این روایات، امام نمی خواهند بفرمایند که آن روزی که این وقایع در آن اتفاق افتاده است یا خواهد افتاد، با روز اول حَمَل، مصادف بوده یا خواهد

ص: ۹

بود. نه، خیلی مستبعد(دور) است که مراد این باشد؛ مراد این است که معنای نوروز را بفهمیم.^(۱)

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه ای که اتفاق می افتد، آن را نو می کنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهانِ مستکبرِ قلدرِ گردن کلفت دنیا یعنی آمریکا مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه نویی بود که اتفاق می افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم.^(۲)

ص: ۱۰

۱- از معلی بن خنیس روایت است که صبح نوروز نزد امام صادق علیه السلام رفتم، فرمود: «ای معلی! امروز را می شناسی؟ گفتم: نه، ولی عجم ها(غیر عرب ها و ایرانی ها) آن را بزرگ داشتند. امام فرمود: نه، هرگز؛ به کعبه ای که در میان مکه است! عظمت این روز برای امری پیشین است که آن را برایت شرح دهم تا بدانی...»؛ (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۴).

۲- ۱/۱/۱۳۶۹.

بخش اول: مقالات

اشاره

ص: ۱۱

اشاره

بهار، همیشه با تحفه سرسبزی و شادابی و نشاط همراه است؛ بنابراین، طبیعت و تمام موجودات به بهار عشق می ورزند. بررسی روایات نشان می دهد، ترسیمی که از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دستاوردهای آن بزرگمرد، صورت گرفته است؛ مملو از جلوه های بهاری است. بالاتر این که از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان بهار نام برده شده است. این مقاله نه تنها به دنبال تبیین برخی شباهت های حضرت مهدی علیه السلام و بهار است؛ بلکه با توجه به این که امام احیاگر جان هاست و هیچ امری به اهمیت احیای جانها نمی رسد؛ چنین ندا سر می دهد:

شاد از وی شو، مشو از غیر وی

او بهار است و دگرها ماه دی

«السلام علی ربیع الانام و نضره الایام؛ (۲) سلام بر بهار مردم، خزمی دوران».

پس

همی گویند هر نقش و نگار

مژده

مژده نک همی آید بهار (۳)

ص: ۱۲

۱- دکتر محمد صابر جعفری.

۲- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، باب ۷؛ مفاتیح الجنان به نقل از سید ابن طاووس، بلد الامین، ص ۲۸۶؛ با تعبیر «ربیع الانام و نضره الایام»؛ مصباح کفعمی، ص ۴۹۷ با تغییر.

۳- مثنوی معنوی، دفتر اول، ۱۳۱.

یکم. از ویژگی بهار، باران فراوان، جوشش نهرها و چشمه ساران است:

۱. مهدی فاطمه، خود ابر باران خیز، باران بهاری و چشمه جوشان است :

الامام السحاب الماطر و الغیث الماطل و الشمس المضيئه و السماء الظليله و الارض البسيطة و العين الغريزه و الغدير و الروضه؛(۱) امام، ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه جوشان، برکه و گلزار است.

۲. او بر جایی قدم نمی گذارد جز آن که بهاری شدن را به آن عرضه می کند و اسماعیل وار، چشمه ها را جوشان می سازد، چشمه هایی که گرسنگان را سیر و عطش تشنگان را فرو می نشاند:

زو بخندد هم نهار و بهار

در

هم آمیزد شکوفه و سبزه زار(۲)

فلا ينزل منزلاً الا ينبت منه عيون فمن كان جائعاً شبع و من كان ظماناً روي؛(۳) در هیچ مکانی اقامت نمی گزیند جز آن که از مقدم او چشمه ها می جوشد، پس گرسنگان سیر و تشنگان را سیراب می گرداند.

۳. به برکت او، آسمان اشک شادی می ریزد، چشمه سارها سرازیر، زمین چندین برابر محصول می دهد.

فعد ذلك... و تفيض العيون و تثبت الارض ضعف اكلها؛(۴) در آن هنگام چشمه سارها، سرازیر و زمین چندین برابر محصول

ص: ۱۳

۱- کافی، ج ۱، ص ۱۹۸؛ تحف العقول، ص ۴۳۹.

۲- مثنوی معنوی، دفتر دوم، ۲۴۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷، باب ۵۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳.

۴- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

خود می رویاند.

«تعطی السماء قطرها؛(۱) آسمان، باران خویش را فرو می فرستد».

۴. فراوانی نهرها و چشمه ها از جلوه های دیگر این بهار زیباست:

«تزیید المیاه فی دولته و تمد الانهار؛(۲) آبها در عهد او فراوان می شود، رودخانه ها پر آب می گردد».

«و تعمر الارض و تصفو و تزهو بمهدیها و تجری به انهارها؛(۳) زمین به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آباد، خرم و سرسبز می شود و به وسیله آن چشمه سارها روان می گردد».

دوم. ویژگی دیگر بهار، سرسبزی دشت و دمن است؛ هر کجا پا می گذاری، بوی طروات و تازگی به مشام می خورد:

۱. هنگام ظهور، از کویرها، خشکی ها، سخنی نباید گفت، مسافت های طولانی، چون عراق تا شام، پای بر سبزه باید گذارد و قدم ها را با نوازش سبزه ها و گیاهان طراوت باید بخشید.

و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها ولاخرجت الارض نباتها و... حتی تمشی المرأه بین العراق الی شام لاتضع قدمیها الا علی النبات؛(۴) قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو می فرستد و زمین، گیاهان خویش بیرون می فرستد و... تا جایی که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی

ص: ۱۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۵، باب ۲۹.

۲- منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۳- ینابیع الموده، ج ۳، صص ۷۸ و ۱۳۲.

۴- خصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

آری، خداوند با باران رحمتش، بهار مردمان، مهدی زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف را سیراب می سازد، زمین گیاه خویش را بیرون می فرستد، دامها فراوان می شوند.

یسقیه الله الغیث و تخرج الارض نباتاتها و تکثر الماشیه؛(۱) خداوند با باران رحمتش، او را سیراب می سازد، زمین گیاه خود را بیرون می فرستد، دامها فراوان می شوند.

تخرج الارض نباتها و تنزل السماء برکاتها و تظهر له الکنوز؛(۲) زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ینتج الله فی هذه الامه رجلاً منی و انا منه یسوق الله به برکات السماوات و الارض فتنزل السماء قطرها و یخرج الارض بذرها و تأمن وحوشها و سباعها؛(۳) خداوند به این امت، مردی عطا می کند که از من است و من از اویم؛ به برکت او، برکات آسمان و زمین را عنایت می کند، آسمان، باران خویش را فرو می فرستد و زمین، بذر خویش را بیرون می فرستد.

۲. زمین برای اهل خود، چون عروسی زینت می بندد و زیبا می شود:

تعطی السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تزیین

ص: ۱۵

۱- مستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷، کتاب الفتن و الملاحم؛ منتخب الاثر، ص ۵۹۱.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳- غیبت طوسی، ص ۱۸۸.

لاهلها؛(۱) آسمان بارانهایش را فرو ریزد، درختان میوه های خود را آشکار می سازد. زمین گیاهان خود را بیرون می فرستد و برای ساکنان خود آرایش می کند.

سوم. تازگی، نو و جدید شدن از دیگر ویژگی های بهار است، که جان را صفا می بخشد:

بهار جان ها، مهدی زهرا نیز، با تازگی توأم است، جاهلیتها را زدوده و اسلام را از نو بنا می نهد.

امام صادق علیه السلام:

یصنع كما صنع رسول الله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یستأنف الاسلام جدیدا بعد ان یهدم ما كان قبله؛(۲) او چون پیامبر عمل می کند، چنانکه پیامبر آنچه در قبل بوده را از بین برده، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نهاد، او نیز گذشته را نابود و پس از ریشه کن ساختن بدعتها، اسلام را از نو پیاده می کند.

امام جواد علیه السلام:

«يقوم بامر جدید و سنه جدیده و قضاء جدید؛(۳) امر، سنت و قضا جدیدی را اقامه می سازد».

چهارم. بهار یعنی رفتن تمام مظاهر سردی، خشکی و مردگی و فرج و گشایش برای تمام آن ها که آرزوی رویدن را به سر داشته اند.

ص: ۱۶

۱- بشاره الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.

۲- غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۰.

۳- همان، ص ۲۳۴.

پیش از ظهور بهار، سوز سرما، رنج آور و تلخ است: ((ظهر الفساد في البر و البحر بما كسبت ايدي الناس)).(۱)

بی عدالتی، ظلم و ستم، دوری از معنویات و رخت بر بستن حیاء و امانت و... این اوضاع یخبندان چنان خواهد بود که آروزی بهار به فریاد و ناله می کشد.

«و اشتد الطلب».

بر هر دیاری بگذری

با صد

بیان با صد زبان

بر هر گروهی بنگری

در ذکر او غوغا بود(۲)

این المعد لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامه الامت و العوج، این المرتجی لازاله الجور و العدوان؛(۳) کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده است. کجاست آنکه منتظر[یم] اختلاف و کج رفتارها را به راستی اصلاح کند. کجاست آنکه امید [داریم] اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد.

این قاصم شوکه المعتدین، این هادم ابنیه الشرك و النفاق، این مبید اهل فسوق و العصیان و الطغیان، این حاصد فروع الغی و الشقاق، این طامس آثار الزیغ و الاهواء، این قاطع حبال الكذب و الفتراء؛(۴) کجاست آنکه شوکت ستمکاران را در هم شکنند. کجاست آنکه بنا و سازمان های شرك و نفاق را ویران می سازد. کجاست آنکه اهل فسوق و عصیان و ظلم و طغیان را نابود

ص: ۱۷

۱- روم (۳۰)، ۴۱.

۲- دیوان امام خمینی رحمه الله، ص ۱۰۳.

۳- دعای ندبه، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای.

۴- همان.

می گرداند. کجاست آنکه نهال [شاخه های] گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی کند. کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می سازد کجاست آنکه جبل و دسیسه های دروغ و افتراء را از ریشه قطع خواهد کرد.

بهار رخ می نماید، سردی ها را می زداید. آنان که به سردی ها خو کرده و از عادات زشت سرما جدایی نپذیرند، سرنوشت سرما را خواهند داشت و آنان که در اوج سرما، روح خویش را به گرمای انتظار، تقوا و انجام وظیفه، زنده نگه داشته اند، به دیدن بهار خوشنود می گردند و به یاریش به جنگ سرما و سرمائیان می روند. برای بشریت، هیچ سوز سرمای بدتر از ظلم، تبعیض و بی عدالتی نیست و بهار واقعی زمانی است که از این امور، خبری نباشد. خلاصه آنکه با بهار ظهور مهدوی:

۱. عدالت برپا شده، احدی به دیگری ستم روا نمی دارد.

امام رضا علیه السلام:

فاذا خرج اشرفت الارض بنور ربها و ضوح الميزان بالعدل بين الناس فلا يظلم احدا احدا؛^(۱) به هنگام ظهورش جهان با نور پروردگارش می درخشد. او میزان را به عدل در میان مردم قرار می دهد. دیگر کسی در حق کسی ستم نمی کند.

يبید الظلم و اهله؛^(۲) ستم و ستمگران را نابود می سازد.

فستبشر الارض بالعدل؛^(۳) جهان با پیاده شدن عدالت، خوشحال می شود.

ص: ۱۸

۱- اعلام الوری، فصل ثانی، ص ۴۳۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲.

۲- بشاره الاسلام، ص ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۴.

۳- بشاره الاسلام، ص ۷۱؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۹.

لا یقرع احدًا فی ولایتہ بسوِّ الا فی حد؛^(۱) در تمام دوران حکومتش، جز به هنگام اجرای حدود الهی، کسی را مورد ضرب قرار نمی دهد.

۲. حق بر قرار و باطل نابود می گردد .

هو الذی یجمع الکلم و یتم النعمه و یحق الله به الحق و یزهق الباطل و هو مهدیکم المنتظر؛^(۲) اوست که سخن ها را یکی می کند (وحدت کلمه ایجاد می کند) نعمت ها را کامل می گرداند. خداوند به وسیله او حق را تحقق می بخشد و باطل را ریشه کن می سازد. او مهدی منتظر شماست.

۳. با کمک یاران بهاری بدعتها و باطل ها زدوده می شود

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ((الذین ان مکناهم فی الارض...))^(۳) فرمود:

هذه لآل محمد الی آخر الائمة و المهدی و اصحابه یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها و یتظهر الدین یمیت الله عزوجل و باصحابه البدع و الباطل کما امات السفهه الحق حتی لایری اثر من الظلم یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛^(۴) این آیه در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. در حق امامان معصوم و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران اوست که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز کرده، بدعتها و باطل ها را به دست او و یارانش نابود می سازد، چنانکه سفیهان حق را لگدمال کرده باشند. دیگر از ستم ها و بدعتها نشانه ای نمی ماند.

ص: ۱۹

۱- الملاحم و الفتن، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.

۲- ینابیع الموده، ص ۹۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۰۰.

۳- حج (۲۲)، ۴۱.

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ الزام الناصب، صص ۲۵ و ۲۳۷.

۴. زمان سختی ها سپری می گردد.

رسول گرامی اسلام:

«به یفرج الله عن الامه؛(۱) خداوند به وسیله او از امت، رفع گرفتاری می نماید».

به یحق الله الکذب و یذهب الزمان الکل و یخرج ذل الرق من اعناقکم؛(۲) خداوند به وسیله او، دروغ و دروغگویی را نابود می سازد، روح درندگی و ستیزه جوئی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها برمی دارد.

۵. فتنه ها و غارتها رخت برمی بندد.

امام باقر علیه السلام: «و تعدم الفتن و الفارات؛(۳) فتنه ها و چپاولگری ها از بین می رود».

۶. زمین از هرگونه آلودگی پاک و پاکیزه می گردد.

«و تکون الارض کفاتور الفضه؛(۴) زمین همانند نقره از هرگونه تیرگی پیراسته خواهد بود».

پنجم. بهار به همراه خویش، خیر و برکت ارزانی می کند، به هنگام حلول بهار اهل بیت، نیز چنین خواهد شد:

«فحینئذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها؛(۵) آن هنگام، زمین گنج های

ص: ۲۰

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷؛ الزام الناصب، صص ۲۵ و ۲۳۷.

۲- غیبت طوسی، ص ۱۸۷.

۳- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۸.

۴- الملاحم و الفتن، ص ۶۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۳.

۵- ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

خود را نمایان و برکات خویش را آشکار می سازد».

«یکثر الخیر و البرکات؛ (۱) خیرات و برکات بسیار می شود».

ششم. چنانکه بهار، عصر فراوانی سرسبزی هاست و بی حد و حسابی گیاهان است. بهار آنچه از زیبایی در درون دارد، عرضه، می دارد، همه چیز در خدمت امام قرار می گیرد و امام بی حد و حساب بخشش می کند تا آنجا که غنا و بی نیازی رخ می نماید.

۱. همه چیز در خدمت امام

«تجمع الیه اموال الدنیا کلها من بطن الارض و ظهرها؛ (۲) تمام اموال دنیا، از برون و درون زمین، در اختیار او گرد می آیند».

«تظهر له کنوز الارض؛ (۳) گنج های زمین، برای او نمایان می گردد».

«یستخرج الکنوز؛ (۴) گنج ها را استخراج می کند».

حضرت علی علیه السلام:

السموات و الارض عند الامام کیده من راحته، يعرف ظاهرها من باطنها و یعلم برها من فاجرها؛ (۵) آسمان ها و زمین در نزد امام علیه السلام همچون کف دست اوست ظاهر و باطن آنها را می فهمد. نیک و بد آنان را می شناسد.

ان الدنیا لمتمئل للامام مثل فلقه الجوز فلا یعزب عنه منها شی و

ص: ۲۱

۱- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۸؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۲.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹.

۳- خرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۵- الزام الناصب، ص ۱۱.

انه ليتناولها من اطرافها كما يتناول احدكم من فوق مائدته ما يشاء؛(۱) همه دنيا مثل حبه گردو در برابر امام نمايان می شود؛ چیزی از آن برای او پوشیده نمی باشد. از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند. آن چنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است از هر طرف بخواهد دست می برد و از آن بهره می گیرد.

ينزل له من السماء قطرها و تخرج له الارض بذرها؛(۲) به خاطر او از آسمان باران می بارد. و زمین برای او، بذرهاي خویش را عرضه می داد.

تفی الارض افلاذ كبدها امثال الاسطوان من الذهب و الفضة؛(۳) زمین جگرپاره های خود را چون قطعات طلا و نقره بیرون می ریزد.

۲. بهار سرسبز آروزها، بی حساب می بخشد.

فيعطیکم فی السنه عطاءین و یرزقکم فی الشهر رزقین؛(۴) سالی دوبار و ماهی دو مرتبه، عطایایش شامل حالتان می شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

ثم یبعث الله رجلاً منی و من عترتی.... یحثوا المال حثوا لایعده عدا و ذلک حین یضرب الاسلام بجرانه؛(۵) اموال را چون سیل

ص: ۲۲

۱- اختصاص مفید، ص ۲۱۷.

۲- غیبت طوسی، ص ۱۸۰.

۳- ینایع الموده، ج ۳، ص ۸۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

۴- غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۳۳۸.

۵- امالی طوسی، باب ۱۸، ص ۵۱۲.

می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد این هنگامی است که اسلام به طور کامل اجرا شود.

۳. چنان می بخشد که تا حال چنین نعمتی ندیده اند.

تنعم امتی فی زمانه نعیمًا لم ینعموا مثله قط البر منهم و الفاجر، یرسل السماء علیهم مدرارا و لاتحبس الارض شیئا من نباتها و المال کدوس یاتیه الرجل فیسأله فیحثواله؛(۱) در دولت او مردم آن چنان در رفاه و آسایش به سر می بردند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می شود که هر کس نزد او بیاید، درخواست کند، اموال فراوانی زیر پایش می ریزد.

یفیض المال فیضا؛ و یحثو المال حثوا و لایعدُّه عِدًّا؛(۲) اموال را چنان سیل می ریزد، ثروت را کلان کلان می بخشد و آنرا نمی شمارد.

امام صادق علیه السلام:

المهدی سَمَحَ بِالْمَالِ، شَدِیدَ عَلَی الْعَمَالِ رَحِیمَ بِالْمَسَاكِینِ؛(۳) مهدی، بخشنده ایست که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربان است.

فیعطی شیئا لم یعطه احد کان قبله؛(۴) آن گاه آنچنان عطایای کلان به آنها می دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.

ص: ۲۳

۱- روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۳- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۸.

۴- غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۷.

یکون عطایاه هنیئا؛(۱) عطایایش گوارا می باشد.

۴. بی نیازی

این بی نیازی، گاه در اثر غنای مالی است و رفع فقر؛ و از این مهم تر، روح بی نیازی است که در اثر رشد عقلی، رخ می نماید:

فحینئذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها فلا- يجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقته و لا لبره لشمول الغنی جمیع المؤمنین؛(۲) در آن هنگام، زمین گنجینه های خود را برای او آشکار می سازد و برکاتش را بیرون می فرستد، دیگر انسان برای صدقه و بخشش محلی پیدا نمی کند، زیرا بی نیازی همه مومنان را زیر پر می گیرد.

رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

یفیض فیهم المال حتی یهمّ الرجل بماله من یقبله حتی یتصدق فیقول الذی یعرضه علیه لا ارب لی به؛(۳) ثروت را در میان آنها به فراوانی می بخشد. کسی که درصدد صدقه دادن باشد، اموالی را برمی دارد و به مردم عرضه می کند. به هر کس عرضه کند می گوید: من نیازی ندارم.

یقسّم المال صحاحا و یملاً قلوب أمّه محمد غنی و یسعهم عدله؛(۴) مال را علی السویه تقسیم می کند و دل های امت محمدی صلی الله علیه و آله را بابت نیازی پر می کند و عدالتش همه آنها را

ص: ۲۴

۱- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۲؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۶.

۲- ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳- مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.

۴- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۷.

فرا می گیرد.

امام صادق علیه السلام:

يامرُ مناديا فيقول: من كان له في المال حاجة فليقم. فما يقوم من الناس الا رجل واحد فيقول: انا فيقول القائم: ائت السادن فقل له: ان المهدي يامرک ان تعطيني مالا فيقول السادن: اُحْتُ و يحثو له في ثوبه حثوا حتى اذا جعله في حجره و ابرزه ندم و قال: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ نَفْسًا او عجز عَنِّي ما و سَعَهُمْ ثُمَّ يَرُدُّ الْمَالَ إِلَى الْخَازِنِ فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ و يقول المهدي: انا لاناخذ شيئا اعطيناه؛(۱) به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر برمی خیزد و می گوید: من. حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می فرماید: برو پیش کلیددار و بگو: مهدی به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می گوید: جامه ات را بیاور. جامه اش را پهن می کند و وسط آن را پر می کند. هنگامی که آن را بر دوش گیرد پشیمان می شود که چرا در میان امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم من از همه آزمندتر باشم؟ چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم؟! آنگاه مال را به کلیددار می دهد و پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: ما آنچه عطا کردیم هرگز باز پس نمی گیریم.

هفتم. باران های حیاتبخش بهاری، زمین مرده را پس از مدتها خواب و مرگ حیات می بخشد. استعدادها شکوفا می شود. بذر خشک مرده - که باور نمی شد، چیزی را در درون داشته باشد- شکوفا شده، گیاه زیبایی می گردد.

ص: ۲۵

زمین خشک و نفوذناپذیر با بارش پیاپی باران، رام گشته و آنچه در درون دارد، به وزش باد بهاری می سپارد. بذرهایی که سالم به خاک سر سپرده اند، رجعتی دوباره می یابند و به روی بهار لبخند می زنند و در سرسبزی طبیعت، به یاریش برمی خیزند، بهار حکومت مهدوی نیز چنین می کند:

۱.

ویژگی بهار، حیات بخشیدن است و مهدی برترین حیات بخشی است که آرزوی تمام انبیاء و اوصیاء را به هدف اجابت می رساند:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ((اعملوا ان الله یحیی الارض بعد موتها(۱)؛ بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می سازد)) فرمود:

كُفر أهلها فیحییها الله بالقائم؛(۲) پس از مرگ زمین به وسیله کافر شدن مردمان، خداوند آن را به وسیله قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمود:

یحییها بالقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فیعدل فیها، فیحیی الارض بعد موتها بالظلم؛(۳) خداوند آنرا به وسیله قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند پس عدالت را در آن به اجراء درمی آورد و زمین را زنده می سازد پس از آنکه به وسیله ستم مرده باشد.

جعلهم حیاة للانام و مصاییح للظلام؛(۴) خداوند آنان را مایه حیات مردم، و مشعل های هدایت در گمراهی ها قرار داد.

ص: ۲۶

۱- حدید(۵۷)، ۱۷.

۲- الزام الناصب، ص ۲۴۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۶.

۳- الامام المهدی، ص ۵۷؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۶.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۳۲.

این دم ابدال باشد ز آن بهار

در دل و جان روید از وی سبزه زار(۱)

۲. حیات، راه، فرائض و سنن الهی:

امام، قلبها را زنده می سازد و دین و سنت پیامبر که به خمودی گراییده را زنده می سازد:

احیی به مناہج سبیلہ و فرائضہ و حدودہ؛(۲) خداوند به وسیله او راههای هدایت و فرائض و حدود خویش را زنده می سازد.

احیی بهم دینہ و اتمّ بهم نورہ؛(۳) به وسیله آنان دین خود را زنده کرد و نور خود را به اتمام رسانید.

... یمحوا کل ضلالہ و یحیی کل سنہ؛(۴) [خداوند به وسیله او] گمراهی ها را از بین می برد و سنتها را زنده می سازد.

یعزّ اللّٰمہ بہ الاسلام بعد ذلہ و یحیہ بعد موتہ؛(۵) خداوند به وسیله او اسلام را پس از ذلّت به عزت می رساند و پس از افسردنش زنده می سازد.

۳. حضرت، استعدادها را شکوفا می کند، عقل های به خواب رفته را بیداری می بخشد، زمین ها را حیات و زمینه ها و استعدادها را شکوفا می گرداند؛ مگر نه این است که تمام انبیا و اوصیا آمده اند تا گنج های عقول را استخراج نمایند.

ص: ۲۷

۱- مثنوی مولوی، دفتر اول، ص ۹۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

۳- الزام الناصب، ص ۱۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۶.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲؛ روزگار رهایی، ص ۱۰۹.

۵- بشاره الاسلام، ص ۲۹۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۱۴.

«و یشروا لهم دفائن العقول؛(۱) تا بر ایشان گنج های اندیشه و عقل را استخراج نموده، نمایان سازند».

آن خزان نزد خدا نفس و هواست

عقل و جان عین بهار است و بقاست(۲)

فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم ثم مد الله فی ابصارهم و اسماعهم؛(۳) خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می افزاید.

إذا هز رايته اضاء لها ما بين المشرق و المغرب و وضع الله یده علی روس العباد؛(۴) چون پرچم او به اهتزاز درآید، میان مشرق و مغرب با نور آن روشن می شود و خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد.

هشتم. شادمانی، مسرت و شادمانی دستاورد دیگر بهار است.

بهار دلها، مهدی زهرا، نیز غم و اندوه را می زداید و شادی و نشاط را نه تنها به انسان که به پرندگان و آبزیان و همه و همه هدیه می دهد.

آن روز مردگان نیز خرسند می گردند و به هم مزده ظهور می دهند:

وقت پژمردگی و غمزدگی آخر شد

مردگی ها و فروریختگی ها بشدند

روز آویختن

از دامن یار آمد باز

زندگی ها به دو صد نقش و نگار آمد باز(۵)

ص: ۲۸

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲- مثنوی، دفتر اول، ص ۹۳.

۳- بشاره الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.

۴- اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۶۲.

۵- دیوان امام، ص ۱۲۵.

۱. زدودن رنج ها و غم ها و بیماری ها، انسان از هر نوع بیماری جسمی و روحی نجات می یابد:

من ادرک قائم اهل بیتی من ذی عاهه بری و من ذی ضعف قوی؛(۱) هر کس که قائم اهلیت مرا درک کند. اگر بیمار باشد بهبودی می یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می شود.

و نزول کل عاهه عن معتقدی الحق من شیعه المهدی؛(۲) هر بیماری که از معتقدین به حق از شیعیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد بهبودی می یابد.

«یشفی الله قلوب اهل الاسلام؛(۳) خداوند به دست او دلهای مسلمین را تسکین می بخشد».

آخر رجل منهم انجی به من الهلکه و اهدی به من الضلاله و ابری به من العمی و اشفی به المریض و لاطهرن الارض باخرهم من اعدائی؛(۴) [خداوند به پیامبر فرمود] آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می بخشم و به وسیله او از گمراهی هدایت می نمایم و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می دهم و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم.

إذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و

ص: ۲۹

۱- بشاره الاسلام، ص ۲۴۳؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.

۲- الزام الناصب، ص ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ص ۴۲۱.

۳- الزام الناصب، ص ۲۲۸؛ روزگار رهایی، ص ۴۷۵.

۴- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۶۰؛ روزگار رهایی، ص ۷۸.

کملت به احلامهم ثم مد الله في ابصارهم و اسماعهم؛(۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان گذارد و خردهای آنان را گرد آورد، رشدهای آنان را کامل گرداند و خداوند بر وسعت بینایی و شنوایی آنان می افزاید.

۲. شادمانی

۲ - ۱. شادمانی زندگان: مسلمانان و مؤمنان

«اذا ادركت ذلك الزمان قرت عينك؛(۲) چون آن روز را درک کنی، چشمانت روشن می شود».

امام صادق علیه السلام:

المهدی اذا خرج یفرج به جمیع المسلمین خاصتهم و عامتهم؛(۳) مهدی که قیام نماید، همه مسلمانان از خواص و عوام به وسیله آن، خوشحال می شوند.

امام کاظم علیه السلام:

یفرج بخروجه المومنون و اهل السماوات و لا یبقی کافر و لامشرك الا کره خروجه؛(۴) مومنان و اهل آسمانها با ظهور او خوشحال و شاداب می شوند، ولی هیچ کافر و یا مشرکی نمی ماند جز اینکه ظهور او را ناخوش دارد

ص: ۳۰

۱- بشاره الاسلام، ص ۲۵۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۲۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۵۲.

۳- المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.

۴- روزگار رهایی، ص ۵۲۶ به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۳۹.

لا یبقی مؤمن الا دخلت علیه تلک الفرحة فی قبره و ذلک حیث یتزاورون فی قبورهم و یتباشرون بقیام القائم؛(۱) مؤمنی نیست جز آنکه، این شادمانی در قبر او نیز وارد آید، هنگامی که در قبرها به دیدار هم می روند و قیام قائم را به هم بشارت می دهند.

۲ - ۳. شادمانی همگانی

«یفرح بخروجه اهل السماوات و مکانها؛(۲) به قیام او، اهل آسمان ها و ساکنین آن ها شادمانی کردند».

امام صادق علیه السلام:

یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیران الهواء و الحیتان فی البحر؛(۳) اهل آسمان و زمین به وسیله ظهور او خوشحال می شوند، پرندگان هوا و ماهیان دریا نیز با ظهور او شادی می کنند.

فعند ذلک تفرح الطیور فی او کارها و الحیتان فی بحارها و تفیضُ العیون و تنبت الارضُ ضعفَ اُکلها؛(۴) در آن هنگام پرندگان در آشیانه های خود شادمان می شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می کنند و چشمه ها سرازیر می شوند و

ص: ۳۱

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۲۳.

۲- همان، ص ۲۲۳.

۳- المهدی، ص ۲۲۱؛ روزگار رهایی، ص ۵۲۶.

۴- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۶؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

زمین چندین برابر محصول خود، می رویاند.

امام حسن عسکری علیه السلام به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

یود الطفل فی المهد لو استطاع الیک نهوضا و نواشط الوحش لو وجد نحوک مجازا تهتز بک اطراف الدنیا بهجه و تهتز بک اعطاف العز نضره؛(۱) کودکی که در گهواره آرمیده، آرزو می کند که بتواند به سوی تو بشتابد، وحشیان صحرا آرزو می کنند که بتوانند به سوی تو راهی یابند. اقطار و اکناف جهان سبز و خرم می شود، چهره دنیا خندان و قله های شرف و عظمت از تو شاداب و خرامان می گردد.

نهم. بهار، خیر و برکت، طراوت و... همه و همه زمینه محبت را فراهم می آورد، نفرتها از بین می روند، گویی الفت و مهربانی و صمیمیت ارمغانی جدا ناشدنی از بهار است.

۱. زدودن نفرتها و کینه توزی ها

و تذهب الشحاء من قلوب العباد و یذهب الشر و یبقی الخیر؛(۲) کینه ها را از دل مردم بیرون رود و شرّ از جهان رخت بریند و تنها خیر باقی بماند.

۲. الفت

الفت، یکی از نعمت هایی است که قرآن بر آن تأکید فراوان دارد:

((واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخوانا و کنتم علی شفا حفرة

ص: ۳۲

۱- وفات العسکری، ص ۴۹؛ روزگار رهایی، ص ۵۳۱.

۲- بشاره الاسلام، ص ۲۴۹؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۰.

من النار فانقذكم منها...))؛(۱) همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمتِ (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد... .

ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بهار یتیمان (ربیع الانام)(۲) و بهار خیر (ربیع الخیر)(۳) بود، مظهر رحمت الهی اند. مهدی فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف که رحمت واسعه الهی(۴) است کمال رحمت، الفت و مهربانی را هدیه می آورد:

بنا یؤلف الله بین قلوبکم بعد عداوه الفتنه كما الف بین قلوبهم بعد عداوه الشرك و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانا كما اصبحوا بعد عداوه الشرك اخوانا فی دینهم؛(۵) خداوند به دست ما در میان آنها الفت و صمیمیت ایجاد می کند؛ چنانکه پس از کینه توزی های شرک به دست ما در میانشان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما برادری خود را باز یابند، چنانکه بعد از عداوت شرک، به دست ما برادر ایمانی گشتند.

۳. صمیمیت

إذا قام القائم جاءت المزملة و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ

ص: ۳۳

۱- آل عمران(۳)، ۱۰۳.

۲- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

۳- همان، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

۴- زیارت آل یس (رحمه الواسعه).

۵- البیان، ص ۸۶؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۴.

حاجته لا یمنعه؛^(۱) هنگامی که قائم قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود. هر نیازمندی دست می برد و از صندوق برادر ایمانی خویش، به مقدار نیاز برمی دارد و صاحب صندوق هم او را منع نمی کند.

دهم. برترین بهار، محبوب ترین یار

شاد از وی شو مشو از غیر وی

او بهار است و دگرها ماه دی^(۲)

بهار، اگر سرسبزی و نشاط طبیعت را به همراه خویش به ارمغان می آورد، امام، سرسبزی، طراوت و زندگی را به روح جان ها می بخشد. انسان را فراتر از طبیعت می سازد و او را از خاکدان طبیعت می رهاند و به اوج می رساند. اینجاست که او از هر بهاری، بهارتر و از هر چیزی مهربانتر است.

۱. دلسوز و مهربان

امام صادق علیه السلام:

المهدی سَمَحَ بِالْمَالِ شَدِيدَ بِالْعَمَالِ رَحِيمَ بِالْمَسَاكِينِ؛^(۳) مهدی بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد، بر مسئولین کشوری سخت می گیرد و بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربان است.

۲. پناه مردمان

«اوسعکم كهفًا؛^(۴) او از همه آغوش پناهش برایتان گشاده تر است».

ص: ۳۴

۱- اختصاص مفید، ص ۲۴؛ روزگار رهایی، ص ۶۳۱.

۲- مثنوی، دفتر سوم، ص ۳۶۵.

۳- الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۸.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۱۲.

«مفزع العباد؛ (۱) پناهگاه بندگان است».

۳. رفیقی صمیمی، پدری مهربان، از مادر مهربانتر

الامام الانیس الرفیق و الولد الشفیق و الاخ الشقیق و الام البره بالولد الصغیر؛ (۲) امام انیسی رفیق، پدری شفیق و برادری همزاد است، همانند مادری نکوکار نیست به فرزند خردسال است.

۴. این بهار، دوست داشتنی ترین بهار است.

«المهدی محبوب فی الخلائق؛ (۳) مهدی در میان همه مخلوقات، محبوب است».

۵. محبوب آسمانیان و زمینیان

«یحبه ساکن الارض و ساکن السماء؛ (۴) ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند».

بی زبان گویند سرو و سبزه زار

شکر آب و شکر عدل نوبهار (۵)

۶. عشق وصف ناشدنی امت

یأوی الی المهدی امته کما تأوی النحل الی یعسوبها؛ (۶) امت

ص: ۳۵

۱- تحف العقول، ص ۵۱۶؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲- همان.

۳- بشاره الاسلام، ص ۱۸۵؛ روزگار رهایی، ص ۶۴۰.

۴- بشاره الاسلام، صص ۲۸ و ۲۸۰؛ روزگار رهایی، ص ۶۰۱.

۵- مثنوی، دفتر ششم، ص ۱۱۲۳.

۶- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ روزگار رهایی، ص ۵۹۹.

اسلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهر می ورزند و به سویش پناه می برند؛ آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند.

عاشقان، چنان او را دوست دارند که چون حضرت سخن می گویند، آن قدر گریه می کنند که نمی فهمند حضرت چه می گوید:

یدخل المهدی الی الکوفه و... فیدخل حتی یأتی المنبر و یخطبُ فلا یدری الناس ما قال من البكاء؛(۱)... مهدی داخل کوفه می شود.... بر فراز منبر قرار می گیرد و خطبه آغاز می کند (آنقدر مردم اشک شوق می ریزند که) از شدت گریه نمی فهمند که او چه می گوید!؟

((تلک عشره کامله)) (۲)

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش (۳)

ص: ۳۶

۱- کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴؛ روزگار رهایی، ص ۴۹۹.

۲- بقره (۲)، ۱۹۶.

۳- حافظ.

دعایی برای بهاری شدن (۱)

یکی از گنجینه‌های ارزشمند مذهب تشیع، دعاهایی است که از فراز و نشیب تاریخ، گذر کرده و در بستر مکتب اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است. مضامین بلند، استواری متن و عبارات دلنشین، از جمله ویژگی‌های این دعاها است. از جمله این دعاها گرانسنگ و تعهد آفرین، «دعای عهد» است که شهرتی ویژه دارد.

در این دعا که منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هر روز صبح با خواندن آن، با مقتدا و امام خویش عهد و پیمان تازه می‌کنند، فرازهایی وجود دارد که روح بهار را در دل و جان زنده می‌کند. در این نوشتار به این فرازها اشاره‌ای کوتاه خواهیم نمود:

آبادانی زمین و زمان

«وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ؛ و خدایا به وسیله او سرزمینهایت را آباد گردان!».

آباد کردن زمین وظیفه‌ای است عمومی که خداوند برای بشر معین کرده است:

((هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا))؛ (۲) او شما را از زمین پدید آورد و به آبادگری در آن واداشت.

ص: ۳۷

۱- حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی.

۲- هود(۱۱)، ۶۱.

این آبادانی وقتی کامل می شود که به دور از هرگونه فساد و ناهنجاری باشد. ظهور حضرت از چند جهت آبادانی را ارتقا می بخشد و به صورت همه جانبه به پیش می برد:

۱. بالا رفتن توان علمی مردم

امام صادق علیه السلام فرمود:

دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران برای مردم آوردند، دو حرف است... زمانی که قائم ما به پا خیزد، بیست و پنج حرف دیگر علم را بیرون خواهد آورد و آن را در بین مردم منتشر خواهد کرد. (۱)

۲. کامل شدن عقل های مردم

امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی که قائم ما به پا خیزد، دستش را بر سر مردم می گذارد، و به سبب آن عقل هایشان را متمرکز گردانده و فهم آنان به وسیله آن کامل می گردد. (۲)

۳. از بین رفتن فقر و فساد در جامعه

امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید:

... او آنچنان عدالت را برقرار می سازد و همگان را برخوردار می گرداند، که کسی که نیازمند زکات باشد نمی یابی (فقر از

ص: ۳۸

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۶.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۵.

بین می رود). (۱)

و باز، فرمود:

دنیا پایان نمی پذیرد، تا آن که مردی از ما، اهل بیت مبعوث خواهد شد که به کتاب خدا عمل می کند و هیچ منکری را نمی بیند مگر آن که آن را محو می نماید. (۲)

۴. استفاده از همه ذخایر و گنجینه های زمین

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می فرماید:

...هیچ بدهکاری را فروگذار نمی کند، مگر آن که بدهی اش را می پردازد، و هیچ مظلومی را نمی بیند، مگر آن که آن را به صاحبش بر می گرداند. (۳)

و باز فرمود:

زمین ها، میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. (۴) ... زمین برکت های خود را بیرون می ریزد (۵) ... زمین پاره های جگر خود را مانند ستون های طلا و نقره خارج می سازد. (۶)

ص: ۳۹

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۹۶.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۵- کشف الغمه، ج ۳، ص ۵۲۷.

۶- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۱۰.

«وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ؛ وَبندگان خود را به واسطه او زنده گردان!»

از دیدگاه قرآن حیات دارای مراتبی است:

۱. حیات گیاهی (نباتی)

((وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعِيدَ مَوْتِهَا))؛ و از آسمان آبی فرو می فرستد و زنده می کند با آن زمین را پس از مردن آن. (۱)

مردن زمین در این آیه به معنای فاقد گیاه و سبزه بودن است.

۲. حیات حیوانی

((وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ))؛ شما مرده بودید و او شما را زنده کرد و جان بخشید. (۲)

۳. حیات فکری و معنوی

((اسْتَجِيبُوا))

لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ))؛ به دعوت خدا و رسول پاسخ دهید، آن هنگام که شما را به آنچه باعث حیاتان است، می خوانند. (۳)

جامعه ای دارای حیات واقعی و برتر است که عرصه برای شکوفایی همه استعدادهای انسان به دور از فساد و تبعیض و دغدغه های دیگر فراهم باشد و این همان جامعه موعود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ص: ۴۰

۱- روم (۳۰)، ۲۴.

۲- بقره (۲)، ۲۸.

۳- انفال (۸)، ۲۴.

روزگار شکوفایی انسان ها(۱)

دیر زمانی است که هوای زمین سرد شده، انسانیت در وجود آدمی، یخ زده است؛ کسی توان برخاستن از وضعیت مرگبار خویش را ندارد و بشر به خود، اجازه خروج از غار تنگ راحت طلبی را - که به زور رسانه ها به او تلقین کرده اند - نمی دهد؛ دیو سرما با نفس شیطانی و سرد خویش، همه جا را زمستانی کرده، فصل بهار را دیگر، جز در خیال ها نمی توان یافت؛ میلیاردها بذر انسانیت در زیر خروارها برف غفلت، مدفون شده است و اگر نبود، اشعه هایی که از پشت ابر به برخی رسیده، قطعاً از شکوفه های نیمه باز و استعداد های نورسی که با تلاش فراوان

سربر آورده اند نیز، خبری نبود.

مگر نه این است که همان گونه که سرمای مرگ آور زمین، جز با گرمای حیات بخش خورشید از بین نمی رود، سرمای جهانی نادانی و غفلت نیز، جز با حرارت روشنی بخش وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت عدل جهانی وی، نابود نخواهد شد، همان گونه که علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعِ الْمُجَلَّلِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ؛(۲) امام مانند آفتاب تابان است که روشنایی آن، هم عالم را فرا گرفته است.

نمی دانم انسان هایی که برای به دست آوردن لقمه ای نان، آن همه حرص

ص: ۴۱

۱- حسن ملایی.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

می ورزند، چرا برای بهره برداری از امام مهربان به این جمله او بسنده می کنند که فرمود:

وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛^(۱) چگونگی بهره ای که مردم در غیبت از من می برند مانند بهره بردن از آفتاب پنهان در ابرهاست.

چرا ظهور خورشید مهدوی را بی واسطه ابرهای مستکبر، طلب نمی کنند؟

آنگاه که خلیفه خدا و امام عدالت و محبت، حکمران زمین و زمینیان گردد، دست خود را بر عقل های آدمیان کشد و اندیشه ایشان را به تکاپو وا دارد.

به راستی تا کی باید شاهد از بین رفتن این همه استعداد نهفته و یخ زده بود؟ بارها در کلام خدای عالمیان، درباره سیر آفرینش آدمی خوانده ایم که: ((وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً))^(۲) و برایمان گفته اند که این مقام با تحقق صفات و نام های الهی در جان هر انسانی به او، افاضه خواهد شد ((وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا))،^(۳) پس کجایند انسان های خداگونه؟ چرا از انسانیت، جز دست و پایی، باقی نمانده است؟ چرا هیچ کس تفسیری جز، موجود رفاه طلب برای واژه انسان ندارد و هدفی جز راحتی در سراپرده دنیا، برایش تعریف نمی کند؟ چرا در انسان، لزوم قدردانی از کسی که به او روزی عطا کرده، میل به جستجو درباره منعم حقیقی را نمی زاید؟ و چرا انسان ها دنبال آفریدگار خویش نیستند تا فلسفه و هدف آفرینش خود را از او

ص: ۴۲

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲- بقره (۲)، ۳۰.

۳- بقره (۲)، ۳۱.

جویا شوند؟ آن هایی هم که در اندیشه این مطلبند با ترفند حکمرانان ظالم به بند استضعاف کشیده می شوند؟

اما مژده به انسان، انسانیت و هزارشادباش به مستضعفان جهان که خداوند عالم درباره عاقبتشان فرمود: ((وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَنْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (۱)

آنگاه که خلیفه خدا و امام عدالت و محبت، حکمران زمین و زمینیان گردد، دست خود را بر عقل های آدمیان کشد و اندیشه ایشان را به تکاپو وادارد، همان طور که حضرت باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ (۲) چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه، خردشان (متانت و خود نگهداریشان) کامل شود.

او که معدن حکمت است از زلال علم و حکمت خویش بر مردم بخوراند و استعدادهای را کد را به فعلیت درآورد، همان گونه که امام باقر علیه السلام فرمود:

تَلَاتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٍ؛ (۳) در دوران او، شما از حکمت برخوردار می شوید تا آنجا که زنی در خانه خود، برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به انجام

ص: ۴۳

۱- قصص (۲۸)، ۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۳۹.

تکالیف شرعی خود می پردازد.

آری، اوست که با درهم شکستن همه بت ها و خدایان دروغین، به فلسفه آفرینش و کمال انسان که بندگی خداست ((وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ))^(۱) عینیت می بخشد و البته رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به این امر، بشارت داده اند: «أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَهُ»^(۲) شما را به قیام مهدی مژده می دهم، ... دل های بندگان خدا را از عبادت لبریز می نماید».

حرکت تاریخی انسان، آن وقت (ظهور حضرت مهدی) است؛ آن وقت است که استعداد های انسان، ظهور خواهد کرد؛ هنوز دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در برابر استعدادهایی که خدا در وجود بشر گذاشته، صفر است.^(۳)

ص: ۴۴

۱- ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۳- دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۶/۱۰/۸۰.

امام مهدی بهار ایام (۱)

عید است ولی بدون او غم داریم

ای کاش که این عید ظهورش برسد

عاشق شده ایم و عشق را کم داریم

این گونه هزار عید با هم داریم

نوروز، این عید باستانی ایرانیان، نوید بخش فرا رسیدن طراوت و سرسبزی و شادابی زمین و مورد گرامی داشت این ملت است؛ اما بعد از اینکه ایرانیان روشن ضمیر با معارف انسان ساز اسلام، به ویژه مکتب سراسر نور تشیع آشنا شدند، زندگی خویش را بر اساس آموزه های ناب اسلامی و بر مدار ولایت معصومین علیهم السلام استوار ساختند و دریافتند که شیعه - که میراث دار خط سرخ حسینی و انتظار سبز مهدوی است یعنی طراوت، شجاعت و صلابت - و انتظار یعنی حیات پویا و زندگی شاداب در مسیر هدفی الهی و مقدس.

هر شیعه ایرانی با الهام از طبیعت، با خود چنین نجوا می کند که اگر یک سال شمسی، گردش دوازده ماهه زمین به دور خورشید است، عمر حقیقی و الهی هر شیعه، چرخش بر مدار ولایت است که اگر با گذشت ایام و زیاد شدن سنّ زمینی اش نسبت به ولیّ زمان خود، معرفت بیشتری پیدا نماید و بر مدار شمس ولایت بچرخد، به همان اندازه، راه زندگی اش روشن تر می گردد؛ چرا که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «چراغ راه مؤمن، شناخت حق اهل

ص: ۴۵

بیت علیهم السلام است و کورترین افراد کسی است که فضائل ما را نبیند» (۱).

شیعه اکنون و در عصر غیبت، منتظر ظهور امامی است که طبق روایات، بهار روزگاران (۲) است. اگر با آغاز سال جدید شمسی، بهار طبیعت آغاز می شود، با سپری شدن انتظار سبز مهدوی، بهار حقیقی انسانیت، هویدا شده و جهان هستی و انسان ها با ظهور حضرتش جان تازه ای می گیرند و علم، صنعت، کشاورزی، دین، سنت و... احیاء می شوند و تحویل حقیقی سال بر مدار ولایت و معرفت آن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که کتاب و سنت، احیا شوند، عقل ها تکمیل گردند، نعمت، فراوان شود و فطرت ها از خواب غفلت، برخیزند.

احیای کتاب و سنت

معارف حیات بخش اسلام، افزون بر خطر تحریف و بدعت و اهمال کاری، همواره در کانون حملات همه جانبه دشمنان دین و دیانت بوده است؛ لذا حضرت بعد از ظهورشان، گرد و غبار دین را می زدایند و آموزه های ناب اسلامی را آنچنان که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، آشکار می کنند و بنابر فرموده مولای متقیان علیه السلام، حیاتی تازه به آموزه های قرآنی می دمند (۳) و وحی الهی را رونق تازه ای می بخشند؛ تا جایی که برخی فکر می کنند که حضرت، دین جدیدی آورده اند و حال آنکه طبق روایات، دین حضرت، همان دین آباء و اجداد خویش است.

ص: ۴۶

۱- «سراج المؤمن معرفه حقنا و أشد العمی من عمی عن فضلنا»؛ (جامع الاخبار، ص ۱۷۸).

۲- «السلام علی ربیع الأنام»؛ (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱).

۳- «یحیی میت الكتاب و السنه»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ترجمه محمد دشتی).

شکوفایی علم و تکمیل عقل ها

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

علم و دانایی از قطعات و حروفی تشکیل می شود؛ تمام آنچه پیامبران تاکنون آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردمان تاکنون بیش از دو حرف آن را نشناخته اند. آنگاه که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می سازد و آن دو حرف را هم به آن ملحق می کند. (۱)

یعنی با این همه پیشرفت و تکنولوژی، تنها دو حرف روشن شده و با ظهور حضرت است که علم و دانش به نقطه اوج خود می رسد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام، قائم است که خداوند متعال به دست او زمین را پس از تاریکی با روشنی، پس از ستم با عدالت و پس از نادانی و جهالت با علم و دانایی پُر می کند. ۸.

امام باقر علیه السلام نیز دربار کامل شدن عقل های انسان ها می فرمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله، عقل های آنان را جمع، و افکار و اخلاقشان را کامل می کند. (۲)

فراوانی نعمت و شادابی طبیعت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

ص: ۴۷

۱- «العلم سبعة و عشرون جزءاً...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

۲- «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد...»؛ (همان، ص ۳۲۸).

در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم به نعمت هایی می رسند که در هیچ زمانی به آن ها دست نیافته بودند، آسمان پیوسته بر آنها می بارد و زمین چیزی از رویدنی هایش را پنهان نمی کند. (۱)

حضرت جان تازه ای به این کره خاکی می دهند و بنابر فرموده امام باقر علیه السلام، همه جا را آباد می کنند و هیچ جای خرابی بر روی زمین باقی نمی گذارند. (۲) همچنین حضرت به کارگزاران خویش دستور می دهند تا شهرها را آباد سازند. (۳) و زمین، به برکت حضرتش، خرم و سرسبز می شود. (۴)

حیات معنوی و بیدارسازی فطرت های غفلت زده

بدیهی است که بیدارسازی فطرت ها و طراوت بخشی به آن، از آبادانی و سرسبزی طبیعت بالاتر است. طبق روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فطرت ها را بیدار می سازند و دین اسلام و معارف حقّه الهی را برهمگان عرضه می نمایند. (۵) و سرانجام همگان به دین اسلام می گرایند. (۶)

آری، هرچند اکنون، در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داریم؛ ولی

ص: ۴۸

-
- ۱- «...ولا تدخر الارض شيئاً من نباتها»؛ (همان، ج ۵۱، ص ۷۸).
 - ۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۱.
 - ۳- «یا مرهم بعمران المدن»؛ (یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵).
 - ۴- «تعمر الارض و تصفوا و تزهر»؛ (منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۲۰۹).
 - ۵- «فعرض علیهم السلام...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰).
 - ۶- در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء ((وَ اِنْ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ)) آمده است. (بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹).

طبق روایات، حضرت، همچون خورشید پشت ابر (۱) و همانند قلبی (۲) که در ظاهر پیدا نیست اما اعضا و جوارح انسان را مدیریت می کند، جامعه را اداره می نمایند؛ چرا که همان گونه که قلب اگر لحظه ای از کار بایستد، بدن از کار می افتد، بدون امام نیز زمین اهل خود را فرو می برد. (۳)

حال، ما نیز ندبه کنان باید ناله سر دهیم که «جانم به قربان ناپیدایی که بیرون از جمع ما نیست، جانم به قربان دور از وطنی که کنار ما نیست» (۴) تا بدان جا که از شدت فتنه ها و غیبت ولیّ مان به درگاه الهی شکوه نمایم (۵) و بگوییم:

منتظران را به لب آمد نفس

ای ز تو فریاد، به فریاد رس

ای یوسف فاطمه عجل الله تعالی فرجه الشریف! تا کی سفره هفت سین دلمان را باز بگذاریم تا تو بیایی و سالمان تحویل شود؟ ای بهار دلها بیا که بی تو بهار طبیعت، برایمان خزان است.

روزها نو نشده کهنه تر از دیروز است

لحظه ها در تپش تاب و تب آمدنش

گر کند یوسف زهرا نظری، نوروز است

آسمان، چشم به راه قدمش هر روز است

حال، ما نیز در لحظه تحویل سال و دگرگونی احوال و قلوب، بنابر فرموده خودتان برای فرج دعا می کنیم تا درمان دردهایمان بیاید و هستی، جانی

ص: ۴۹

۱- «اما وجه الانتفاع بی...»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳).

۲- «ان القلب غائب عن سائر الجوارح...»، (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۱۰).

۳- «اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا»؛ (مفاتیح الجنان، دعای افتتاح).

۴- «بنفسی انت من مغیب لم یخل منا...» و «یابن الخیره المهدیین» «فقد طال الصدی و...»؛ (فقراتی از دعای ندبه در مفاتیح الجنان).

۵- همان.

دوباره بگیرد.

گلها همه با اذن تو برخاسته اند

مردم

همه در لحظه تحویل، بی شک

از بهر ظهور تو، خود آراسته اند

اول فرج تو از خدا خواسته اند

ص: ۵۰

عید نوروز یکی از اصیل ترین سنت ها و اعیاد ایرانی است. نوروز نمادی از هویت ملت ایران است. عید نوروز آن چنان در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده که هر ساله با آمدن خود، به تجدید خاطره ها و سنت های دیرینه و قدیمی می پردازد.

این عید آن چنان شور و هیجانی در افراد به وجود می آورد که با یاری یکدیگر به زدودن غبار از خانه و کاشانه خویش می پردازند. لباس تازه و جدید خریداری می کنند، به دیدار یکدیگر می روند و به شادی و سرور می پردازند و بار دگر حیاتی زیبا و تازه را همراه با شکفته شدن شکوفه های بهاری از سر می گیرند. آری، عید نوروز این قابلیت و توانایی را دارد که روز نو، روزی نو، سال نو، و انسانی نو را ایجاد کند.

ما ایرانیان مسلمان جدای از عید نوروز، ایام خاص دیگری را عید خود می دانیم:

عید قربان، عید فطر، عید مبعث، عید غدیر، ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به ویژه نیمه شعبان سالروز ولادت امام زمان حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ...

ص: ۵۱

معنای لغوی

۱. در لغت نامه دهخدا آمده: واژه عید در اصل از فعل «عاد - یعود» است و به معانی «خوی گرفته، روز فراهم آمدن قوم» می باشد. (۱)

۲. در لسان العرب آمده: اصل واژه «عید» از «عادت» است، زیرا اقوام بر گرد آمدن دور هم در آن روز عادت کرده اند. (۲)

معنای اصطلاحی

مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید:

کل یوم لا یعصی الله تعالی فیه فهو یوم عید؛ (۳) هر روزی که در آن معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد آن روز عید است.

نیز دوباره آن حضرت فرمودند: «اگر قدر بدانید هر روزی نوروز است». (۴)

یعنی اگر قدر عمر خود را بدانید و معصیت نکنید و هر روزی پیشرفتی داشته باشید آن روزتان نو و تازه است؛ در غیر اینصورت هر روزتان مثل روز قبلی خواهد بود و در این صورت نه نوروز و عید، بلکه کهنه روز خواهد بود؛ چنانچه در حدیثی به آن اشاره گردیده است:

ص: ۵۲

۱- لغت نامه دهخدا، ذیل واژه عید.

۲- لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ح ۳۱۹.

۳- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۴.

«هر کس دو روزش با هم مساوی باشد زیان کرده است»^(۱).

با توجه به مطالب و احادیث مذکور می توان عید را این گونه معنا نمود: هر گونه تحول و پیشرفت سازنده ای که در ایام زندگی فردی یا اجتماعی رخ دهد و آنان را بر سختی ها و مشکلات پیروز گرداند و آنان را به سمت اهداف متعالی سوق دهد، آن روز عید است و مبارک.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۶۹ ه.ش فرمودند:

تحویل سال جدید شمسی که مصادف با نوعی تحول در عالم طبیعت می باشد فرصتی است برای این که انسان به تحول درونی و به اصلاح امور روحی و معنوی و مادی خود بپردازد. ایجاد تحول کار خداست ... اما ما موظفیم که برای این تحول در درون خود، در زندگی خود و در جهان اقدام کرده و همت و تلاش به عمل آوریم.

اقسام «عید»

۱. فردی: تک تک انسان ها با ترک منکرات و به پا داری معروفات شاهد انقلابی عظیم در درون خود باشند.

۲. اجتماعی: همه افراد یک جامعه با کمک و تعاون یکدیگر، تحولات سازنده و عظیمی در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و ... ایجاد نمایند.

اعمال عید

گرچه عید نوروز مانند دیگر اعیاد نیست که در آن روایت های فراوانی آداب

ص: ۵۳

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳، ح ۵، باب ۶۴.

و دعاهای خاصی مطرح نموده باشند، اما مناسب است در کنار صله رحم ها و بازدید ها و تلاش برای اصلاح رفتارها و دعای تحویل سال به این روایت نیز عمل کنیم:

معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام درباره نوروز روایت کرده که فرمود:

هر وقت نوروز شد پس غسل کن و پاکیزه ترین لباسهایت را بپوش و خود را با بهترین عطرهایت خوش بو کن و آن روز را روزه بدار، پس زمانی که نافله های نمازهای ظهر و عصر و خود نمازها (ظهر و عصر) را خواندیدی پس بعد از این ها چهار رکعت نماز بخوان (دو رکعتی)، در اول هر چهار رکعت سوره فاتحه الکتاب بخوان و ده بار سوره «انا انزلنا فی ليله القدر» و در رکعت دوم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه «قل هو الله احد» و در رکعت چهارم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه سوره «ناس و فلق» را بخوان و بعد از خواندن این چهار رکعت سجده شکر کن و در سجده، دعا کن (برای خودت) که گناه پنجاه سال تو آمرزیده شود. (۱)

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین «مائده آسمانی»

((رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ...))؛ (۲) خدایا نازل کن برای ما مائده ای از آسمان که برای اولین و آخرین از ما عید باشد و نشانه ای از تو... .

ص: ۵۴

۱- مصباح المتهدج، ص ۵۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۸.

۲- مائده (۵)، ۱۱۴.

اولین مائده آسمانی پس از وجود نازنین و گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام بودند. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز ۱۸ ذی الحجه در غدیر خم، حضرت علی را به عنوان امام و جانشین پس از خود معرفی نمودند و از همگان بیعت گرفتند و جمعیت حاضر به ولایت و امامت ایشان پس از رسول گرامی اسلام اقرار نمودند.

در این روز بزرگ، خداوند بر ما منت نهاد و با نزول آیه ۳ سوره مبارکه مائده: ((... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...)) و نصب آن حضرت به امامت، نعمتش را بر همگان تمام نمود و دینشان را کامل کرد.

اما متأسفانه نه ایشان و نه دیگر ائمه علیهم السلام به دلیل کارشکنی ها، مشکلات و وجود کوته فکری و سطحی نگری عوام، موفق به اجرای بخشی از برنامه ها و پیاده نمودن اهداف الهی نشدند.

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها و آخرین مائده آسمانی، یگانه منجی عالم بشریت است که تمام اهداف الهی بر روی زمین پیاده خواهد شد. زمین زنده خواهد شد: ((یحیی

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا))^(۱) و هر آن چه درون خویش دارد آشکار می سازد، همدلی و برابری و برادری ایجاد خواهد شد، بدعت ها از میان می رود و آداب و سنن اسلامی جای آن را می گیرد، باطل شکست می خورد و حق جانشین آن می شود، دین اسلام بر سایر ادیان و همچنین بر شرک و نفاق غلبه می یابد و مومنین وارث زمین می گردند: ((أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِي

ص: ۵۵

الصَّالِحُونَ)) (۱) و پس از آن عبادت پروردگار خالصانه و به دور از شرک بر سرتاسر زمین حاکم خواهد شد و دنیا روزی تازه و نور را شروع خواهد نمود.

((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...)) (۲)

آری، روزی که مهدی فاطمه، بقیه الله (روحی و ارواح العالمین له الفداء) بیاید؛ آن روز عید واقعی و حقیقی ماست، عید فردی و اجتماعی ماست، چه زیباست که قبل از آمدن حضرتش، درون خویش را همچون عید نوروز متحول کنیم و به خانه تکانی دل پردازیم و خویش و جامعه را آماده ظهور حضرت نماییم، چرا که بهار و عید واقعی، زمان ظهور حضرت است، چون عاشق واقعی، رنگ معشوق به خود می گیرد و همچون مجنون در راه لیلی جان می دهد، با آمدن او جان ها، تازه می شوند و از معرفت الهی سیراب می گردند.

گل همیشه بهارم خدا کند که بیایی

اسیر طعنه خارم خدا کند که بیایی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... و هو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا اهل البيت و ولاة الامر و يظفره الله تعالى بالدجال فيصليه على كناسه الكوفه...؛ (۳) نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحب امر ظاهر خواهد شد و خداوند او را بر دجال غلبه می دهد. پس

ص: ۵۶

۱- انبياء (۲۱)، ۱۰۵.

۲- نور (۲۴)، ۵۵.

۳- بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۸؛ عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۴۱.

آن حضرت دجال را بر کناسه کوفه به دار می کشد....

اینک دستی به دعا برمی داریم و با گریه و زاری می گوئیم: «این السَّبب المتصل بين الارض و السماء».

ص: ۵۷

فرارسیدن بهار طبیعت، انگیزه ای برای توجه به سه بهار هستی است که با نسیم صفا و معنویت خود، به دنیا شکوفایی و شادابی می بخشد، این سه بهار عبارتند از:

۱. قرآن کریم، بهار دلها

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«جَعَلَهُ اللهُ رِيَاءً لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَ رِبْعاً لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ؛ (۲) خداوند، قرآن را آبی گوارا برای عطش عالمان و بهار دلهای دین اندیشان قرار داد.»

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهار شهرها و انسان ها

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابْتَعَثَهُ [رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَمَ] رَحْمَةً لِلْعِبَادِ وَ رِبْعاً لِلْبِلَادِ؛ (۳) خداوند متعال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بر انگیخت تا رحمتی برای بندگان و بهاری برای سرزمین ها باشد.»

امیر المؤمنین علیه السلام در فضیلت برترین رسولان حضرت محمد مصطفی ۶ فرمود:

خداوند پاک و منزّه، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث

ص: ۵۸

۱- حسین علی عبداللهی.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

نمود و ایشان را ابلاغ کننده رسالت، کرامت دهنده امت و بارانی بهاری برای اهل روزگار و مایه سربلندی مسلمانان و شرافت یارانش قرار داد. (۱)

در حقیقت، بعثت حضرت همانند باران موجب سیراب گشتن دل‌های خشکیده بشر و علت غایی بعثت او تکمیل اخلاق انسانها، نامیده شد.

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهاری ترین فصل‌ها:

«السلام علی ربیع الأناام و نضره الأيام؛ (۲) سلام بر بهار مردمان و خرّمی روزگار».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منشأ نشاط و شادابی و خرمی در عالم هستی است و منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر لحظه مشتاق آمدن بهار حضور و تنفس در فضای عطر آگین حکومت اویند تا جان‌های خسته از ظلم و ظالمان را، صفای دیگری بخشند.

تو با

بهار می رسی، تو ای نجابت زمین

اگر چه داغ کربلا، شکسته قامت بیا

تو با بهار می رسی نه، با تو می رسد بهار

و با تو

سبز می شود، خزان طاقت زمین

که با تو راست می شود، دوباره قامت زمین

تویی شکوفه زمان و سبز قامت زمین

لزوم آمادگی برای آمدن بهار دلها، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همان گونه که برای آمدن بهار طبیعت، باید خانه تکانی کنیم، باید خواب زده‌ها را بیدار کنیم و چشم‌های بسته را بگشاییم؛ باید آمدن بهار را لحظه به لحظه در گوش جهانیان، زمزمه کنیم؛ باید حرمت بهار را پاس داریم تا رویش

ص: ۵۹

گلها را ببینیم و باید سوگند بخوریم تا هنگام آمدن بهار، به او عشق بورزیم. برای آمدن، بهار دلها و جانها یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز:

- باید دل تکانی کرد؛ و کدورتها و کینه ها را برطرف نمود؛

- باید بذر خوبی ها، صلح و دوستی را به همه دلهای بشریت هدیه کرد؛

- باید دلهای زنگار گرفته از غفلت را بیدار کرد و به اوج هوشیاری و بصیرت رساند؛

- باید به گوشه‌های غافل، فریاد زد تا بیدار شوند؛ آن هم نه یک بیداری معمولی، بلکه بیداری همراه با معرفت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

- باید حرمت دلهای منتظر و حرمت صاحب دلها را نگه داشت؛

- باید سوگند بخوریم که تا آمدن بهار دلها، به ولایت او مؤمن باشیم و به آمدن او، به قیام او و به عدالت گستری او عشق ورزیم؛

- و بالاخره باید زمینه های ظهور بهار را آماده کرد، با تمام وجود و متانت و بردباری.

به امید شکوفایی و شادابی تمام دلهای عاشق مهدی فاطمه علیها السلام.

روزهای آخر سال است و نوروز در پیش. کم کم خانه تکانی ها شروع می شود. در این که خانه تکانی از منازل کاری پسندیده است شکی نیست؛ اما تکلیف خانه تکانی دل ها و قلب ها چه می شود؟ اصلا برایمان اهمیت دارد؟ چقدر به فکر غبارروبی درونمان هستیم؟ اوضاع دکوراسیون خانه جانمان برای ورود به سال جدید چطور است؟ کاش همان قدر که به خانه تکانی منازل حساسیم، خانه تکانی دل هم برایمان مهم باشد.

دل بتکانیم یا خانه؟

خانه تکانی و تغییر دکوراسیون خانه، تأثیرات مثبتی بر روحیه انسان دارد و زندگی را از یک نواختی خارج می کند. تنوع و تمیزی محیط اطراف ما در پیشگیری از افسردگی نیز بسیار مؤثر است؛ بنابراین یک خانه تکانی ساده، سلامت روان فرد را تا حد زیادی تأمین می کند؛ اما اگر این تنوع و نو کردن منجر به زیر بار قرض رفتن و ایجاد استرس برای او شود، نتیجه عکس خواهد داشت و در واقع آرامش فرد را از او خواهد گرفت.

راستی شما دنبال کدام هستید، آرامش یا چشم و هم چشمی؟ اگر واقعا

ص: ۶۱

دنبال آرامش هستید، راه های بهتری هم هست، راه هایی که نه تنها آرامش دنیا، که آرامش آخرت را هم به دنبال دارد، آن راه بهتر، دل تکانی است.

مواد لازم: قرآن، تسبیح و...

در خانه تکانی، برای تمیز کردن هر بخش، به یک نوع شوینده خاص نیاز داریم؛ چون تمام وسیله ها را نمی شود فقط با یک نوع ماده تمیز کرد. در خانه تکانی دل هم، اوضاع همین است. اصلاح نفس و پاک شدن از زنگار گناه و... اشک و آه، یاد خدا، یاد مرگ و قیامت، تلاوت قرآن، تفکر، سحرخیزی، استغفار، ادای حقوق خلق و خالق و... هر کدام اثر خاص خودش را دارد. فقط یادمان باشد که شاید خداوند از بخشی از حق خود بگذرد، اما از حق بندگانش نه! پس ادای حق الناس را جزو اولویت هایمان بگذاریم.

حال دلتان چطور است؟

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که در نگاه اول به خانه، گمان کنید نیاز چندانی به نظافت ندارد، اما همین که دست به کار می شوید و بخشی را تمیز می کنید، بخش های دیگر خود را نشان می دهد و تازه می فهمید کار سنگینی در پیش است. اوضاع دل انسان هم، چنین است؛ وقتی حرف از توبه و استغفار و اصلاح عیب ها پیش می آید، شاید خیلی هایمان در نگاه اول، خود را بی گناه و کم عیب می دانیم، اما اگر کمی بیشتر به احوال دلمان دقت کنیم، تازه می فهمیم چقدر آلوده شده و چه راه طولانی ای برای غبارروبی از این خانه خاک گرفته در پیش داریم.

ص: ۶۲

کسانی که در طول سال برنامه منظمی برای نظافت منزل و رسیدگی به کارهایشان دارند، در این روزهای پایانی سال کار چندانی ندارند و کافی است دستی به سر و گوش خانه بکشند تا همه چیز مثل اول مرتب شود. این حکایت دل آدمی زاد است؛ کسانی که با عمل به توصیه های بزرگان، راه رفته و به مقصد رسیده اند و از قلب خود و آنچه به آن وارد می شود، مراقبت می کنند، این روزها کار زیادی ندارند؛ چون یاد گرفته اند که اگر لغزشی از آنها سرزد، همان وقت دنبال جبران و آموزش خواهی از خداوند بروند. آنها هر روز و هر لحظه در حال خانه تکانی دلشان هستند، نه سالی یک مرتبه. آنها خوب می دانند: ذره ذره جمع گردد، وانگهی ...

در جستجوی جان از دست رفته

خیلی از چیزهایی که مدت هاست گم شده و دنبال آن می گشتیم، در خانه تکانی ها پیدا می شود. خانه تکانی دل همین طور است. کافی است کمی وقت بگذاریم و با خودمان خلوت کنیم و مروری روی اعمال و اخلاق خود داشته باشیم؛ تازه آن وقت است که می فهمیم چه گم کردیم و کجا؟ آن وقت است که دلمان هوای پاکی دوران کودکی مان را می کند، هوای سجاده مادر بزرگ و عطر تسبیح تربت آقا بزرگ. یادمان می آید آن وقت ها چه دل بی کینه ای داشتیم و بزرگ ترین گناهمان همان قهرهای یک دقیقه ای مان بود و بس! نه چیزی از غیبت و خوردن گوشت برادر مؤمن سرمان می شد و نه کم فروشی و نه احتکار و نه ...

ایام را از شما مبارک باد

حالا دیگر حال و هوای عید را همه جا می شود حس کرد؛ از خریدها و خانه تکانی ها گرفته تا

نو نوار کردن رخت و لباس ها. این حضور عید در بیرون از وجود ماست، اما آیا حضور عید را در درون خود نیز احساس می کنیم؟ اگر با تحویل سال، تحول حالی هم داریم، پس عید بر ما مبارک باد؛ چرا که بزرگان گفته اند: «مبارکی ایام به مبارکی جان ما است».

راستی که چه زیبا گفت:

«ایام را از شما مبارک باد

ایام می آیند تا بر شما مبارک شوند

مبارک شما یید».

ص: ۶۴

عید و صلہ رحم (۱)

((الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ)). (۲)

«فاسقان، کسانی هستند که پیمان خدا را پس از آنکه محکم بستند می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع می کنند، و در زمین فساد می کنند. قطعاً آنان زیان کار هستند».

علامه مجلسی قدس سره به دنبال آیه ((وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ)) (۳) یکصد و ده حدیث درباره اهمیت صلہ رحم، بیان، و آنها را بررسی کرده است. (۴) برخی از نکات جالبی را که ایشان آورده است، نقل می کنیم:

* صلہ رحم، عمر را زیاد، و فقر را دور می کند.

* با صلہ رحم، رزق، توسعه می یابد.

* بهترین قدم ها، قدمی است که برای صلہ رحم و دیدار اقوام برداشته شود.

* صلہ رحم، انسان را به مقام مخصوصی در بهشت می رساند.

* صلہ رحم، مرگ و حساب روز قیامت را آسان می کند.

ص: ۶۵

۱- حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی.

۲- بقره (۲)، ۲۷.

۳- رعد (۱۳)، ۲۵.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۷.

* صله رحم، باعث تزکیه عمل و کثرت اموال می شود.

* کمک مالی به فامیل، بیست و چهار برابر کمک به دیگران پاداش دارد.

* بوی بهشت، به کسی که صله رحم را ترک کند، نمی رسد.

* به سراغ بستگان بروید، گرچه آنها بی اعتنایی کنند.

* صله رحم کنید، هر چند آنها نیکوکار نباشند.

* صله رحم کنید، گرچه به اندازه سلام کردن باشد.

* با بستگان خود دیدار و رابطه داشته باشید، هر چند در حدّ نوشتن آبی باشد.

* صله رحم کنید، گرچه برای انجام آن، لازم باشد یک سال راه بروید.

* صله رحم تنها به دیدن و ملاقات کردن نیست، کمک های مالی نیز از مصادیق صله رحم به شمار می رود. امام صادق علیه

السلام فرمودند: «در اموال انسان، غیر از زکات، حقوق دیگری نیز واجب است».(۱)

البته شاید مراد امام علیه السلام از حقوق دیگر، همان خمس باشد.

* در اهمیت صله رحم، همین بس که خداوند آن را در کنار ذکر خود قرار داده است: ((اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ

وَالْأَرْحَامَ)).(۲)

* ارحام تنها منحصر به خانواده و بستگان نسبی نیست؛ بلکه جامعه بزرگ اسلامی را که در آن، همه افراد امت با هم

برادرند،(۳) و پدرشان پیامبر صلی الله علیه و آله و

ص: ۶۶

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲- نساء(۴)، ۱.

۳- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ (حجرات(۴۹)، ۱۰).

حضرت علی علیه السلام است(۱) نیز در برمی گیرد.

* امام صادق علیه السلام در آستانه رحلت از دنیا، دستور دادند به بستگانی که نسبت به ایشان جسارت کرده بودند، هدیه ای بدهند. وقتی حضرت در انجام این کار مورد انتقاد قرار گرفتند، آیه بیست و یکم سوره مبارکه رعد را تلاوت فرمودند(۲) و این گونه به ما یاد دادند که شرط صله رحم، خوش بینی، علاقه و رابطه آنها با ما نیست.

ص: ۶۷

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۹۵).

۲- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۶.

بهار یک دانشگاه بزرگ است (۱)

من می دانم، شما می دانید، خدا هم می داند، گاهی بخشیدن دوست و فامیلی و آشتی کردن با او چقدر سخت و سنگین است. چه اشکالی دارد گاهی با انجام کارهای سنگین، جوانمردی خود را ثابت کنیم؟ یادمان باشد آنها که می توانند وزنه های سنگین تری بردارند و بر نمی دارند، جایزه ای که نمی گیرند هیچ، نزد خدا و خلق هم محبوبیتی ندارند. (۲)

من و شما تلاش کنیم جزء کسانی شویم که به تدریج وزنه های سنگین بر می دارند. آقای حسین رضا زاده را که فراموش نکرده اید.

گفتم به تدریج، یادم آمد که فصل بهار در راه است. راستی بهار هم همین کار را می کند، یعنی در زمستان که آب و خاک با هم قهر بودند هیچ اتفاقی نمی افتاد؛ نه خاک رویشی داشت و نه بذره های پنهان شده در خاک زایشی. ولی با پیدا شدن چشم و ابروی بهار ماجرا طور دیگری شد. خاک که از آمدن این مسافر خوش قدم بو برد، لحاف زمستان را کنار زد و برخاست. چند روز دیگر معلوم می شود که از آشتی آب و خاک، بلکه از وصلت این دو چه اتفاقات مبارکی در راه است.

ص: ۶۸

۱- ناصر نقویان.

۲- در زیارت امین الله به ما می آموزند که از خدا درخواست کنیم تا در زمین و آسمان محبوب باشیم، محبوبه فی أرضک و سمائک.

با کنار رفتن نقاب برف و سرما کم کم معلوم می شود کدام درخت خشکیده و هیزم شده و کدام سرسبز و زنده است، کدام دشت چادر در چمن بر سر کرده و کدام برهنه و بی چیز است، حاصل کدام خاک یا علی گفته و برخاسته و بر کدام خاک بذر مرگ و مردگی پاشیده اند، کجا سنگستان است و کجا گلستان. کجا گل است و کجا گل، به قول مولوی:

در بهاران کی شود سرسبز سنگ

خاک شو تا گل برویی رنگ رنگ

چشم دانه های برف که به بهار می افتد از شدت خجالت چنان آب می شوند که آبروی رفته زمین دوباره به جویبارها بر می گردد. مهم این است که یادمان باشد اگر درختی با نگاه پر مهر بهار بیدار نشد به قهر آتش گرفتار می شود، همان که بیش از هزار سال پیش ناصر خسرو می گفت:

بسوزند چوب درختان بی بر

سزا خودهمین است مر بی بری را

همان که سعدی شیرین گرفتار می گفت:

هر که امروز نبیند اثر قدرت او

غالب آن است که فرداش نبیند دیوار

سعدی می خواست بگوید: نگو، سیزده به دامان طبیعت می رویم و صفایی می کنیم، بگو می رویم در دامان خلقت خدا و درسی می گیریم و برمی گردیم.

البته او از پیش خود نمی گفت، از قرآن می گفت:

((فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُنْحَى الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))؛ به نشانیهای رحمت خداوند بنگر که چگونه از دل خاک مرده حیات و نشاط بیرون می کشد. هم او مردگان را نیز زنده خواهد فرمود. (۱)

ص: ۶۹

بله، خوب متوجه شدید، بهار یک دانشگاه بزرگ است که اگر درست به آن نگاه کنیم درسهای فراوانی به ما می دهد. یعنی به چشم دانشجویی، نه به چشم مدرک جوئی!

حالا به قول قرآن، خوب نگاه کن، دوباره نگاه کن، چه می بینی؟

درختانی که از درخت بودن فقط نقش و نقشه آن را داشتند الان از چوب خشک بودن بیرون آمده و در حال سبز شدن و شکوفه دادن هستند، و کم کم آن انتظار سرخ به بارداری سبز تبدیل شده و معلوم شد زمستان و سرما به همه هارت و پورتش حریف ریشه های پنهان و گرم درختان نشده و امروز که سرما، سایه اش را از سر ما کم کرده این جوانه ها هستند که خودی نشان داده و آرام آرام، باد و طوفان های بهاری را نیز رام خود می کنند و دیری نمی پاید که بار درختان چنان سنگین می شود که کسی باورش نمی آید که همان شکوفه های کوچولو تبدیل به گلابی و هلو شده، نارگیل و آناناس به آن عظمت که بماند.

حالا دیدی که نباید از درخت کمتر بود و اگر تمرین و تکرار در کار باشد ما هم می توانیم وزنه بردار سنگین وزنی بشویم و نرمک، نرمک و گرم گرم هم که شده به وزنه ها اضافه کنیم، درست همان کاری که وزنه بردارها می کنند.

از بخشیدن کسی که جواب تلفن ما را نداده شروع کنیم تا بخشش کسی که جفای بزرگی در حق ما کرده است، خدا رحمت کند آیت الله مجتهدی تهرانی را، می گفت:

«اگر می خواهی محبت دنیا از دلت بیرون برود، موقع خرج کردن پول ها، اول اسکناس های نو را خرج کن.»

پس تا دیر نشده دست به کار شویم و با همه آنهایی که در زمستان عمر قهر بودیم آشتی کنیم و دید و بازدید عید را ولیمه و سور این آشتی کنان قرار دهیم که در غیر این صورت دیر یا زود با آشتی دیدار خواهیم کرد که وجودمان را همچون هیزم در قهر خود که نتیجه همان قهر با دوستان و بستگان است؛ خواهد سوزاند.

ص: ۷۱

بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است

بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است (۱)

اشاره

ما منتظریم و انتظار تو یعنی بر قله ایستادن، یعنی تاریخ را از سرگردانی در کوچه های بیهودگی بازداشتن، یعنی رشته اتصالی که کتاب زندگی تاریخ را شیرازه می بندد و تاریخ زندگی آمدگان و رفتگان و آیندگان را مربوط و مفهوم می کند. حجت الاسلام مجتبی کلباسی، مدیر مرکز تخصصی مهدویت قم با نگاهی نو و لطیف، بهار طبیعت و بهار مهدویت را مقایسه کرده است؛ بهاری که ابتدا باید در دل هامان نسیم آن را حس کنیم. بد نیست ویژگی های جامعه مهدوی و شرایط زندگی در بهار با طراوت حکومت حضرت را با هم مرور کنیم.

حکومت مهدوی و فصلی نو

«بهار فصل نو شدن، انتظار و خواستن است. ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند بهار احیاگر دل های مرده و تجلی بخش انسانیت است. در قرآن کریم نیز از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به احیا شدن تعبیر شده است. بهار چون ظهور حضرت بقیت الله عجل الله تعالی فرجه الشریف پیامدهای گوناگونی دارد و حیات و رویش و زندگی جدید در آن احیا، پیدا می شود. نوروز، روزی نو برای آسمان و زمین و ساکنان آن است. روزی است که کشتی نوح پس از تلاطم و سختی بسیار به آرامش رسید.

ص: ۷۲

۱- گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی.

نوروز روز خلاصی حضرت ابراهیم از آتش نمرودیان است و روز دوستی با خداست...».

به گفته مدیر مرکز تخصصی مهدویت، دوره مهدویت، دوره تجدید حیات بشری با تمام ابعاد متصور و مطرح برای آن است. در عصر حاضر، بشر در شرایط زمستانی به سر می برد. ظلم ها و بی عدالتی ها سراسر جهان را فرا گرفته و قدرت های استعماری پنجه خود را بر مسایل مهم مربوط به بشریت گشوده اند و ما در حال حاضر شاهد وضع ناهنجاری بر جامعه انسانی هستیم و هنگامی که این زمستان به اوج خود برسد، در ورای آن شرایطی جدید و فصلی نو ظهور پیدا می کند. منتظران و معتقدان مهدویت، این فصل جدید را بهار جامعه مهدوی و حکومت ناب مهدوی می نامند.

رو به خورشید شویم!

وی معتقد است: «نوروز، روزی عادی، کوتاه، موقت و گذرا است و برای نهادینه کردن و پایداری این روز باید به دعای تحویل سال عمل کرد. ویژگی نوروز اعتدال و هماهنگی است و این هماهنگی موجب ایجاد نشاط در طبیعت شده است و این اعتدال است که ممکن است نوروز را به روز ظهور تبدیل کند. احسن الحال در زندگی می تواند به اعتدال و نظم با پشتوانه معنویت منجر شود. اگر بین معنویت و دنیویت و جسم و روح و ابعاد مختلف زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی اعتدال برقرار شود، احسن الحال در انسان محقق می شود. در چنین شرایطی اگر نوروز بتواند آغاز ظهور باشد ما به عنوان یاران حضرت باید آماده باشیم. در حالی که باران بهاری می بارد و ایام زیبا و همیشه بهار برای همیشه حضور دارند، در این شرایط وجود گل های هماهنگ

ص: ۷۳

و رو به خورشید کم است. اگر انسان به معنای دعای تحویل سال به دقت نگاه کند و آرزوی احسن الحالی به معنای عدل خواهی داشته باشد و عدل را اول در خود و روابط اجتماعی محقق کند، نوروز می تواند برای او عید واقعی باشد».

جامعه مرده، جامعه جاهل

وی تأکید دارد: «در انقلاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم به شکوفایی عقلی می رسند و در روایات تعبیر شده است که حضرت دست معنویشان را بر سر انسان ها می گذارند و آنها را به کمال عقلی می رسانند. در روایات داریم که بشر با همه رشدی که در زمینه عقلی داشته پیش از ظهور به دو حرف از الفبای علوم دست پیدا می کند و بعد از ظهور در ۲۷ مرحله به تکامل علمی می رسد. از سوی دیگر بشر هنگام ظهور به امنیت کامل می رسد و فصل تجاوزها و ظلم ها و ستم ها سپری می شود و بشر در تناسب خود احساس امنیت می کند. عدالت فراگیر در همه بخش های زندگی یکی دیگر از آثار ظهور است. همان طور که قرآن کریم از بهار تعبیر به زنده شدن می کند از عدالت نیز چنین تعبیری دارد؛ به عبارتی قرآن، جامعه ای را که در تناسب و ارتباطش عدالت را رعایت نمی کند، جامعه ای مرده دانسته است».

هماهنگی آسمان و زمین

«در روایاتی که در باب مهدویت انعکاس داده اند، جامعه مهدوی و حکومت عدل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دوره هماهنگی همه اجزای حیات آن از زمین تا آسمان توصیف کرده اند. در دوران حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسمان

نعمت های خود را فرو می ریزد و زمین با کمال پذیرش، این نعمت ها را جذب می کند و در مسیر رشد، حیات و طراوت انسان ها قرار می دهد. جامعه مهدوی، جامعه ای است که در تمام ابعاد مادی و معنوی، ظرفیت های خود را به کار می گیرد و هماهنگ با یکدیگر برای تکمیل هم، بی بدیل ترین شرایط عدل را می گستراند. در جامعه مهدوی، درون و برون انسانی، مرز جامعه با کلیات جامعه، انسان با محیط زیست و همه اجزای آن در یک مسیر هماهنگ و تعامل با یکدیگر قرار می گیرند».

انسان هایی که خیال می کنند زنده اند!

یکی دیگر از آثار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هدایت و راهیابی انسان ها از بالقوه بودن به بالفعل شدن است؛ این عبارتی است که حجت الاسلام کلباسی به آن اشاره می کند و در ادامه می گوید: «همان طور که قرآن از بهار تعبیر به زنده شدن می کند از هدایت نیز تعبیر به زنده شدن شده است. قرآن کریم می فرماید هر کسی مرده ای را زنده کند گویا همه بشر را زنده کرده است... که مراد از زنده کردن هدایت کردن است. انسانی که هدایت نشده باشد، مرده است». در عصر ظهور، ملت ها و افراد مسالمت آمیز در صلح کامل با یکدیگر زندگی می کنند. مشکلی که انسان در طول تاریخ به آن دچار بوده و حالتی که پیوسته از آن رنج می برده، اختلاف مرزی، شخصی، نژادی، خانوادگی، قومی و سیاسی است که در زمان ظهور این اختلاف ها برچیده می شود و بشر به حیاتی نوین دست پیدا می کند و زندگی مسالمت آمیز را تجربه می کند. در زمان ظهور به جای حاکمیت شاهان، شهوت و غضب و تمایلات و هوس ها؛ خدا و عدالت حقیقی بر انسان حاکم می شود و همان طور که بهار،

نماد نوین زیستن و زنده شدن است، زمان ظهور نیز زمان شکوفایی، رویش ها و حیاتی نوین است».

بهار واقعی هستی

مدیر مرکز تخصصی مهدویت در ادامه به نقش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هدایت انسان ها در دوره حکومت عدل مهدوی نیز اشاره کرد و گفت: «در روایتی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان بهار واقعی هستی یاد شده است و این تشبیه انسان را به مفاهیم والایی متوجه می کند. در واقع حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف احیاگر جان های مرده است. همان طور که بهار موجب احیای طبیعت می شود، امام نیز جامعه را که در اثر ظلم و فساد مرده است، احیا و جامعه فاسد را به جامعه صالح تبدیل می کند، دل های انسان های فرسوده و جاهل را با دانایی زنده می کند. ضمن اینکه روز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سرآغاز سرازیری نعمت ها و برکات و رحمت های خاص و ویژه الهی است. انسان ها همواره در طول تاریخ از نعمت های الهی برخوردار می شوند، اما گاهی به دلیل کم کاری های خودشان، از برخی برکات الهی بی بهره می مانند که ظهور امام، آغاز سرازیری همه این نعمت ها است؛ همان طور که بهار شاهد سرازیری شکوفه های الهی هستیم».

وی اضافه کرد: «همچنین ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جشن انسانیت است، انسان ها در آن دوران لباس واقعی بصیرت، انسانیت و معنویت می پوشند؛ این در حالی است که جشن واقعی انسانیت در این دوران شکل می گیرد و با ظهور امام انسانیت، انسان کامل متجلی می شود».

بالاخره کی زمان ظهور فرا می رسد؟

«بهار وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از سختی ها و فتنه ها ظهور می کند. آن حضرت زمانی ظهور می کند که بسیاری از انسان ها و مستضعفان و انسان های مؤمن از ظلم ها و فتنه ها و پلیدی در رنج و عذاب و سختی باشند و پس از آن سختی، امام می آید و آرامش و آسایش و زندگی زیبا را برای انسان ها به ارمغان می آورد؛ همان طور که بهار نیز پس از سختی ها و سرما و تاریکی ها پدیدار می شود.»

به گفته حجت الاسلام والمسلمین کلباسی، فرا رسیدن بهار واقعی در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییر و تحولات دیگر زودگذر نیست، بلکه قلب و احوال و دانایی و بصیرت انسان ها دگرگون می شود و معنای واقعی دعای سال تحویل در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد.

«باید بدانیم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب خشنودی و رضایت همگان است؛ فرشتگان و آسمانیان پس از ظهور به حال انسان ها غبطه می خورند و انسان ها به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افتخار می کنند، همان طور که با فرارسیدن بهار خشنود می شوند؛ در واقع حضرت، مایه انبساط خاطر همگان از هر نژاد و قوم و آیینی می شود و نارضایتی فقط مربوط به شیطان و شیطان پرستان است.»

طعم شیرین رفاه و امنیت

«مردم در عصر ظهور همه خوبی ها را به شکلی آشکار مشاهده می کنند. در روایات آمده که در عصر ظهور عدالت وارد خانه های مردم می شود و همان طور که ورود سرما و گرما را به خانه های خود لمس می کنند؛ طعم امنیت و

ص: ۷۷

آسایش و رفاه را می چشند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عابدترین، حکیم ترین و عالم ترین انسان در کره زمین است. آن حضرت، طاووس اهل بهشت و به طریق اولی برترین موجود است، همان طور که بهار زیباترین فصل است».

در روایات آمده که جهان بعد از قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پر از عدل می شود و اگر می خواهیم نمونه آن را در عالم مادیات به صورت بالفعل ببینیم، می توانیم به بهار بنگریم. حجت الاسلام کلباسی با بیان این نکته ادامه می دهد: «هنگام بهار، همه جا پر از حیات و سرزندگی، دنیا متحول و دگرگون می شود و طبیعت طراوت پیدا می کند. در جامعه مهدوی نیز همه جا پر از عدل و حیات و رشد می شود. در جامعه مهدوی، علوم مادی و معنوی مسیر واحدی را طی و همدیگر را تکمیل می کنند، همچنان که همه اجزای طبیعت در فصل بهار نقش تکمیل کنندگی یکدیگر را پیدا می کنند. عدالت مهدوی، عدالت در یک بعد یا عدالت صرفاً اجتماعی نیست، بلکه عدالت درونی و نهفته در ذات انسان و ارتباط تعامل یافته قوای انسانی است».

نسیم روح بخش بهاری...

به گفته مدیر مرکز تخصصی مهدویت؛ با آمدن بهار، باران فراوان، غرش رودها و جوشش چشمه ها و نهرها را شاهد هستیم و باید عنوان کرد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود ابر باران خیز و چشمه جوشان است. در جلد یک کتاب ارزشمند کافی در صفحه ۱۹۸ حدیثی به این مضمون نگارش شده است:

« امام ابر بارنده، باران پیاپی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه

ص: ۷۸

جوشان برکه و گلزار است». مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر جا قدم نهد، به آن سرسبزی و نشاط می بخشد و در هر منزلی اقامت گزیند، آنجا را خرم و باطراوت می کند. در همین زمینه در کتاب روزگار رهایی آمده است: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هیچ مکانی اقامت نمی کند، جز آنکه از مقدم او چشمه ها می جوشد. پس گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب می کند...».

در حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، آسمان باران خویش را فرو می فرستد و زمین گیاهان خویش را بیرون می فرستد و... تا جایی که اگر زنی از عراق تا شام برود پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد... و ترسی برایش نخواهد بود. (۱)

سلام بر مهدی، بهار بشریت

حجت الاسلام کلباسی در ادامه توضیحات خود با اشاره به فرازی از زیارت نامه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه می دهد: «در این زیارتنامه می خوانیم «السلام علی الربیع الانام»؛ سلام بر مهدی، بهار بشریت. البته در خصوص معنی کلمه بهار و بشریت، معانی و توضیحات دیگری نیز عنوان شده است. «طریحی» در کتاب مجمع البحرین، ربیع را باران بهاری عنوان می کند. بارانی که زمین را سرشار از نعمت و طراوات می کند و به گیاهان زندگی تازه می دهد. طریحی در خصوص واژه انام نیز، آن را تمامی مخلوقات معنا می کند. به نظر وی انام، تنها شامل انسان ها نیست و معنای گسترده تری دارد و جن

ص: ۷۹

و انس و تمام موجودات را در بر می گیرد و حتی همه هستی در کل کائنات و نظام آفرینش را شامل می شود. در زیارت نامه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت صاحب الأمر به باران بهاری که ثمربخشی بسیاری دارد، تشبیه می شود. نور ملکوتی و جلوه ایزدی پروردگار مثل بهار نشاط می آورد و قلب های پژمرده را که به واسطه گناه افسرده شده اند، نشاط و شادابی می بخشد. برای همین هر پدیده ای که بخواهد زنده شود و شادابی معنوی و کمال و بصیرتش را کسب کند، می تواند از وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره ببرد و بهار، فصل روی آوردن به آستان مبارک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ص: ۸۰

درختکاری برای وقف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

درختکاری برای وقف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱)

سیزدهمین روز فروردین، به روز طبیعت نامیده شده است و روشن است که وجود درختان یکی از ارکان شادابی در طبیعت است. کاشت درخت از آن رو اهمیت دارد که یکی از آموزه های دینی و از توصیه های انبیاء و اولیاء الهی بوده و خودشان نیز به آن اشتغال داشته اند. به طوری که همه انبیای الهی به گونه ای در عصر خویش، در ایجاد باغ و بستان و حفظ آن کوشا بوده اند. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه به زراعت می پرداخت.»

درختکاری دارای فوائد دنیوی و اخروی است. یکی از فوائد اخروی کاشت درخت، بهره مندی از پاداش تسبیحی است که درخت در برابر خداوند متعال انجام می دهد؛ چرا که درخت، موجود زنده ای است که لباس هستی پوشیده و هر آن چه که موجود می شود به تقدیس و تسبیح خداوند مهربان مشغول است. چنان که پروردگار عالم در قرآن کریم می فرماید: «و هیچ چیز نیست مگر اینکه به تسبیح و ستایش او مشغول است.»

علاوه بر این پاداش، کسی که درختی می کارد در واقع پا به عرصه روشنگری آیات الهی گذاشته است؛ چرا که درخت یکی از نشانه های عظمت الهی است و راه و دلیل روشنی است برای خداشناسی و تفکر و اندیشه در

ص: ۸۱

قدرت و حکمت بی انتهای پروردگار. در یک کلام به حق می توان گفت:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفترست معرفت کردگار

از دیگر فوائد درخت، نقش مهم آن در تأمین غذای انسان ها و حتی حیوانات و همچنین تأثیر بسیار بالای آنها در حفظ طبیعت و محیط زندگی موجودات است.

علاوه بر این، باغ ها و بوستان ها از لحاظ آرامش روحی و روانی تأثیر زیادی در زندگی انسان ها می گذارد. گشت و گذار در باغ ها آنقدر لذت بخش است که خداوند متعال در بسیاری از آیات مربوط به بهشت وجود آن را از نعمت ها و پاداش های بزرگ شمرده و بهشت خود را با عبارت هایی مثل: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» توصیف کرده است. از سوی دیگر نیاز به تفریح در وجود هر انسانی نهفته است که باید این نیاز را برآورده کرد تا انسان در پیچ و خم زندگی، توان مقابله با سختی ها و مشکلات زندگی را از دست ندهد و هر از گاهی با تفریحات سالم - که استفاده از باغ از بهترین آنهاست - نیرویی دوباره بگیرد، لذا در فرهنگ اسلامی توصیه های گوناگونی نسبت به این امر شده است. از این رو بسیاری از مردم برای تفریح و استراحت به باغ ها و جنگل ها می روند.

اما نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که در همه جای کشور باغ و فضای مناسب برای تفریح همگان وجود ندارد و بسیاری از مردم نیز به علت پایین بودن توان مالیشان قادر به مسافرت و بهره مندی از لذت باغ و گشت و گذار در آن نیستند. سؤال اینجاست که چگونه می توان زمینه استفاده آنان را از این موهبت الهی فراهم کرد؟

پاسخ آن است که می شود با احیاء برخی از زمین های خشکی که در شهرها و یا اطراف آن است، آنجا را به باغ های زیبایی تبدیل کرد که امکان دسترسی و استفاده همه مردم از آرامش و لطافت طبیعت به وجود آید.

همچنین در هر شهری، افراد مستمند فراوانی هستند که ممکن است قادر به خرید میوه نیز نباشند که می توان با پرورش باغ های میوه علاوه بر فوائد گوناگونش، قدم های مؤثری در رابطه با اطعام مستمندان برداشت و حتی با این کار برای چندین نفر هم شغل و درآمد ایجاد کرد.

تصورش را بکنید که اگر کسی زمین بایری را با کاشت درخت احیا کند و آن را برای اهل بیت علیه السلام و به ویژه امام زمان، حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف وقف نماید، چه پاداش عظیم و با دوامی از این کار می برد. به راستی درخت کاری و پرورش باغ و وقف نمودن آن از کارهای با ارزش اهل بیت علیهم السلام بوده که با دست مبارک خویش به انجام آن اقدام نموده اند؛ اگر ما پیرو آنها هستیم لازم است ما نیز به این کار مقدس توجه بیشتری بنماییم.

حسابش را بکنید، پاداش شریک شدن در تسیح درختان، کاشتن و احیای آیه ای از نشانه های شناخت خداوند، تأسی به پیامبران و معصومین علیهم السلام، ایجاد محلی برای آرامش مردم و ایجاد مکانی برای همگان و مخصوصاً نیازمندان و اطعام فقرا و... آنقدر زیاد است که به شماره نمی آید. حال که این گونه است هر کدام از ما باید به اندازه توان خود در این راه قدم برداریم و برای دستیابی به این پاداش بزرگ کاری انجام دهیم.

هر نظام سیاسی به منظور ایفای وظایف خود از فرایندهای ثلاثه (نهاد، تبدیل و خروجی) تشکیل می‌شود. مهمترین و ارزشمندترین بخش آن پیامدها و به اصطلاح خروجی آن است که کارآمدی و کارآیی نظام در آن متجلی شده است. در تحلیل و ارزیابی سیستم دولت عدل گستر مهدوی و بررسی کارآمدی آن نظام جهانی، توجه به آثار و نتایج آن در ابعاد گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. این نوشتار این امر را از منظر گسترش معنویت مورد بررسی اجمالی قرار داده است.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عامل تحقق دین الهی و نظام توحیدی است که انبیای عظام الهی برای برقراری آن آمدند و با نابودی مرزها و فاصله‌ها و هرگونه اختلاف طبقاتی، همه را زیر پرچم پرافتخار توحید گرد می‌آورد و پیرو یک آیین ساخته و در تمام نقاط عالم بانگ روح افزای «لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله» را طنین انداز می‌نماید. رشد و تعالی و تکامل جامعه از جهات اخلاقی، دینی و فرهنگی، گسترش فضایل و گرایش به خیرات و تحقق معنویت و عقلانیت از ره آوردهای

شکوهمند دولت مهر و عدل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین وصی رسول الله صلی الله علیه و آله است. بر این پایه و اساس هر آن چه شرّ و بدی و آلودگی است که منشأ و پیدایش آن ها به واسطه وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی است نابود و رذایلی مانند حرص و آز، طمع، کفر، فساد، دروغ از کره زمین محو می گردد. با ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان غرق در نورانیت، قداست و طهارت گشته و آیین توحیدی و یکتاپرستی و اخلاق فراگیری شود. در این روزگار انسان ها از تعالی روحی و تکامل عقلانی بهره مند شده و موانع و عوامل فساد و تباهی، ریشه کن می گردد.

آری، این عنایت ویژه خداوندی است که در آینده تاریخ و با تشکیل دولت فرهنگی مهدوی و دولت مستضعفان صالح یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام و در سایه تربیت دینی مردم، اخلاق آنان تکامل یافته و خردهای ایشان شکوفا می شود و جامعه آلوده قبل از ظهور، به مدینه فاضله اسلامی تبدیل می گردد:

إذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کملت به احلامهم؛(۱) وقتی قائم ما قیام کند، دست [عنایت خود را] بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنان زیاد شده و فهمشان بالا می رود (کامل می گردد).

پیدا است که هرگاه فرهنگ جامعه از هر جهت سالم و اخلاقی باشد، کوچک ترین اثری از ظلم، فساد، تباهی و تبعیض نخواهد بود و کاستی های جامعه از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... از میان خواهد رفت. مردم گرفتار مشکلات گوناگون چون هوا پرستی، جنگ و خون ریزی، کفر و الحاد و غیره

ص: ۸۵

نخواهند شد و سعادت حقیقی خود را در عبودیت و عبادت؛ یعنی همان فلسفه اصلی خلقت که تقرب به خداوند متعال است خواهند دید.

برخی از آثار و نتایج چنین رویکردی عبارت اند از:

الف) نورانیت و پاکی جهان

یکی از برکات حکومت مهدی نورانیت جهانی است و این مطلب در سخنان معصومین یادآوری شده است.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «یطهرالله به الارض؛ خداوند به وسیله [مهدی] زمین را پاک می سازد».^(۱) همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنی العباد من ضوء الشمس؛ آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید، زمین به نور پروردگار، روشن می شود و بندگان به نور خورشید، نیازی نخواهند داشت.^(۲)

ب) عبادت و عبودیت

با تکامل عقول و علم و گسترش فرهنگ و ارتقای سطح معرفتی انسان ها مردم به عبادت رو می آورند و در مسیر عبودیت خدای رحمان گام بر می دارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فلایبقی فی الارض معبود من دون الله عزوجل، من صنم، [و

ص: ۸۶

۱- الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۴.

وثن] و غیره الا- وقعت فيه نار فاحترق؛(۱) غیر از خدای عزوجل هر معبودی که بر روی زمین باقی باشد، اعم از بت های بی جثه با صورت و با جثه بی صورت و جز آن آتش گرفته و بسوزد.

و در همین رابطه حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

«اذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل؛(۲) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند، جز خدا را عبادت نمی کنند».

ج) کمال اخلاقی مردم

در عصر درخشان حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آلودگی های اخلاقی از جامعه رخت بر می بندد و طبق فرموده امام صادق علیه السلام: «در زمین خدای تعالی معصیت نشود و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد».(۳)

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

روی زمین کافری باقی نمی ماند، مگر این که ایمان می آورد و شخص ناشایستی نمی ماند جز این که به صلاح و تقوا می گراید.(۴)

و: «زنا و شراب خواری و ربا از میان می رود».(۵)

ص: ۸۷

۱- منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۳۶۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۰.

۴- الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۵- عقد الدرر، ص ۲۱۱.

حکومت فرهنگی و ارزشی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت بر دل و جان مردم و سیاست محبت و تألیف قلوب است نه با ضرب و نیزه و شمشیر و ارباب و سرکوب. دولت عدالت گسترش برای تأمین منافع فردی و گروهی کار نمی کند و خواسته های مادی هم ندارد؛ بلکه برای تحقق حاکمیت دین خدا و خدمت به مؤمنان و صالحان و ذلت ظالمان زراندوز و ستم پیشه، تلاش می کند. از این رو تمامی امکانات و منابع مادی و معنوی را در اختیار آنان قرار داده و در راه رشد و تعالی ایشان کوشش می کند. در سایه این اقدام، عموم مردم جهان به آرزو و خواسته خود می رسند و عاشق و دوستدار پیشوای عادل و عالم خود گشته و از حکومت و فرمانروایی حضرت خردسند می گردند؛ «در خلافت او ساکنان زمین و آسمان و پرندگان در هوا راضی و خشنودند»^(۱) و «آسمانیان و زمینیان شادمان می گردند»^(۲).

همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اگر از عمر جهان به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را چندان دراز کند تا مردی از خاندان من خروج کند و زمین را همان گونه که از ستم و بیداد لب ریز شده باشد از عدالت و داد لب ریز سازد.^(۳)

هنگامه پر برکت ظهور و قیام نورانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با بسته شدن طومار ستم و صحیفه

ظلمت و برقراری عدالت کامل، حیات حقیقی به تمامی آشکار می

ص: ۸۸

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۶.

۲- عقد الدرر، ص ۱۴۷.

۳- مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۰۶.

گردد و بدین ترتیب بهار دل انگیز زمین فرا می رسد. « این همان بهار دل انگیزی است که هستی به دنبال زمستان طولانی به انتظارش نشسته است تا با قدم خویش، تاریخ تاریک بشر را به مدار نور و روشنایی بازگرداند و هر آن چه نماد مرگ معنوی زمین است به زیر کشد.»^(۱)

ص: ۸۹

۱- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص ۲۵۰ - ۲۵۱.

بهار عالمیان و خرمی روزگاران (۱)

بی تو هر بهاری خزان است و با تو هر فصلی بهار. با تو هر دل غمدیده ای شاد است و بی تو هر سعادت‌مندی غمگین. کجا باید تو را جستجو کنم؛ ای معنا بخش هستی و قوام بخش گیتی! ای خلاصه همه خوبی‌ها (۲) و خط بطلان بر همه نامردمی‌ها! (۳) ای خورشید حقیقت و ماه تابان! (۴) ای آخرین ذخیره خدا! (۵)

بهار پیوندی است دوباره با سرآغاز حیات و جوشش. بار دیگر زندگی و بالندگی. و این خود تلنگری است چند باره در آغاز هر سال، برای حرکتی دوباره در مسیر کمال. الگویی است برای تغییر از زندگی مرده به حیاتی پرتلاش، که محصول آن را به زودی درو خواهیم نمود.

نماد سرسبزی بیرونی است که نشاط و سرزندگی درونی را در پی خواهد داشت.

او که بیاید همیشه بهار خواهد بود؛ فصل رویش و بالندگی. دست خویش را

ص: ۹۰

۱- محمد مهدی یاوری.

۲- «الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ»؛ (بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۸۳).

۳- «يَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۲).

۴- «السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَ بَدْرِ التَّمَامِ»؛ (بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱).

۵- «السَّلَامُ عَلَى بَقِيَةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ»؛ (همان).

بر سر مردمان خواهد کشید و عقل ها را صد افزون خواهد نمود. زمین ذخایر خویش را سخاوتمندانه عرضه خواهد کرد و آسمان باران رحمتش را بی دریغ هدیه خواهد نمود. ظلم و بی عدالتی از زمین برچیده شده، عدالت، امنیت و دین برقرار خواهد شد.

به جای هوای نفس، علم قرآن حاکم گشته و به جای خود خواهی، مردم به خداخواهی روی خواهند آورد. دریچه های علم مفید به روی مردم گشوده خواهد شد؛ همان علمی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شهر آن بود و امام علی علیه السلام دروازه آن. زنان و دختران به جای بازیچه هوسهای مردان بودن، به کرامت و بزرگی انسانی خویش خواهند رسید. رهزنان فرهنگی خلع سلاح شده و اخلاق و کرامت انسانی جایگزین رذالت خواهد شد.

ثروت های جامعه فزونی یافته و به عدالت و مساوات بین آحاد مردم تقسیم خواهد شد؛ به گونه ای که دیگر نیازمند و فقیری باقی نخواهد ماند. کینه و دشمنی از میان مردم رفته و رفاقت و مدارا جریان خواهد یافت.

ظالمان و زورگویان را به زیر کشیده و مستضعفان را حاکم و وارث زمین خواهد ساخت. (۱)

این حیات واقعی و بهار جاودانی است.

باید در این بهار و هر بهار، بار دیگر به حیات اندیشید. باید زندگی را دوباره شناخت و راه را دوباره دید و با توای رهبر! عهدی دوباره بست. از جنس نور و باران؛ از جنس روشنایی و طراوت؛ از جنس حرکت و تلاش.

خدایا این نوروز را نوروز موعود شیعه قرار ده. آمین

ص: ۹۱

۱- در روایتی از امام صادق علیه السلام رسیده است: «ما در نوروز انتظار فرج را داریم»؛ (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸).

به نیمه های اسفند که می رسیم همه چیز رنگ تحول می گیرد و گویی اتفاق تازه ای در شرف وقوع است. قرار است همه چیز به پایان برسد و زمانه تمام شود. همه جا صحبت از تسویه حساب است. بعضی ها کم آورده اند، بعضی ها اضافی و بعضی دیگر منتظر امدادها و کمک های خارج از برنامه نشسته اند. زمان سریع تر از حالت عادی سپری می شود. روزها، زمستانی تر از قبل، کوتاه و کوتاه می شوند. تغییرات جدی به نظر می رسند. کارها باید به اتمام برسند. از اضافی آنها صرف نظر می شود و اگر نتوان آنها را به سامان رساند، باید تعطیل کرد تا روز و روزگاری دیگر از راه برسد. خیابان ها و اجتماعات شلوغ شده است و همه از یک سو به سوی دیگر در حرکتند. بعضی تازه به فکر افتاده اند و بعضی دیگر تازه از راه رسیده اند و خلاصه همه چیز یک جور دیگر است. حتی دنیای درون آدم ها هم به هم ریخته است و اصلاً این همه این در و آن در زدن ریشه در بلبشویی دارد که در درون آدم ها به راه افتاده است. هرچند ساعت یک بار آدم ها می ایستند و از خود می پرسند که دیگر چه کاری باید انجام دهند و چقدر زمان دارند. تازه وقتی حساب کارها و دوروبری ها را صاف کنی، به خودت می آیی و سراغ خودت را می گیری؛ از سر و وضع و لباس هایت گرفته تا غم ها و آرزوهایت. گوشه ای می نشینی و چشمانت راه

می کشند. یاد فروردین و اردیبهشت و خرداد می کنی و بعد سراغ تابستانی که گذشت را می گیری و همین طور تا اسفند جلو می آیی؛ کارهایی را که کرده ای و آنهایی که می خواستی انجام دهی اما نشد. لازم نیست که حتماً کسی را از دست داده باشی یا اتفاق بدی را تجربه کرده باشی، همین که یک سال گذشت و تو در پایان آن ایستاده ای، احساس خاصی دارد و دلت بی خودی بی تاب می شود. آسمان هم این روزها غوغا می کند. اصلاً در صبح های روزهای آخر اسفند، همه چیز و همه کس، همه گل ها و گیاه های تازه سبز شده، همه جوانه های تازه سر زده و حتی آجرها و آسفالت ها و آنتن های روی پشت بام ها جور دیگری با آدم حرف می زنند تا این تغییر و تحول نه فقط دادوستد آدم ها و درون آنها، که تمام هستی تو را در بر بگیرد.

نوروز است دیگر. اگر نجومی هم نگاه کنی، هنگامه انقلاب در سیر زمین و خورشید است و این یعنی آنکه طبیعت نیز به پایان خود نزدیک می شود. هنگامه ای است که تغییرات بیشتر از هر زمان دیگر احساس می شوند. چرتکه بیاندازی، این روزها هم مثل روزهای دیگر تقویم هستند، اما این حس و حالی که الان وجود دارد، در هیچ روز و ساعتی پیدا نمی شود. همه آدم ها در طول سال - کوچک و بزرگ - می دانند که نوروز می رسد و سال به پایان آن می رسد و همه چیز نو می شود، اما انگار هیچ کس باور نکرده است. تنها گوشه ذهن آدم ها به نوروز رسیده است و باقی وجود آنها در گیر روزمرگی ها و بده بستان های جاری زندگی است. اما وقتی به اسفند می رسیم ماجرا جدی می شود. آنچه همه می دانستند و می گفتند، نزدیک می شود و عن قریب واقع می شود. از اینجا است که آن همه رفت و آمد و های وهوی پیدا می شود و

هر که را بینی، به کاری مشغول است.

مسئله این است که همه می دانستند نوروز می رسد، اما هیچ گاه آن را باور نکرده بودند و با آن نزیسته بودند و از این رو هیچ وقت حس و حال روزهای پایان اسفند را تجربه نمی کردند. نوروز برای اکثر آدم ها یک اتفاق خارج از برنامه و فوق العاده است که می دانند می رسد، اما دلیلی برای استقبال از آن در طول سال ندارند و تنها وقتی صدای پای آمدنش به گوش رسید، تازه از خواب برمی خیزند و دست به کار می شوند. اما مسئله برای همه این طور نیست. عده ای، اگر چه کم، هستند که از فروردین فکر نوروز را برداشته اند و تحویل سال از هم اکنون در برنامه ریزی و طرح بندی های آنان حضور دارد. آنها کارهایشان را با نوروز تنظیم می کنند و از هم اکنون در فکر حساب و کتاب پایان سال به سر می برند. قبول دارم، تعدادشان کم است، اما تا بوده همین بوده که راه های موفقیت، باریک و کم مشتری باشد.

باز می گردیم و دوباره حساب می کنیم. نوروز از راه می رسد. این یعنی این که طبیعت به پایان یک مرحله از زندگی خود نزدیک می شود و آماده مردن و رستاخیز دیگری است. این یعنی اینکه جامعه انسانی به منزل نهایی خود رسیده و همه روابط و تعاملات آدم ها بر محوریت این تغییر، شکل می گیرد و این یعنی اینکه هر انسان، پایان دیگری را تجربه می کند و در انتظار شروع دیگری به سر می برد.

اولی ما را به یاد قیامت می اندازد؛ بساط همه چیز جمع می شود و هستی درهم پیچیده می شود تا رستاخیز محقق گردد. دومی ما را به ظهور پیوند می دهد؛ بساط زیست ظالمانه و تاریک اجتماع انسانی در طول تاریخ از میان برچیده می شود تا نور به دالان تاریخ جریان یابد. و سومی بانگ سفر را در

قافله وجود ما به صدا درمی آورد تا ترک این خانه و قصد آن خانه کنیم.

اکنون مسئله این است که ما چه نسبتی با این تحولات داریم و اینها چقدر در زندگی ما مؤثرند و این تأثیر چگونه است؟ آیا همان طور که نوروز برای اکثر مردم ناگهانی از راه می رسد و به اتفاقی اگرچه محتمل و حتی قطعی در ذهن، اما بیگانه در عمل تبدیل شده است؛ ما نیز مرگ، ظهور و قیامت را دور می پنداریم و تنها در گوشه های ذهن خود میزبان آنها هستیم یا آنکه وضعیت به گونه دیگری است؟ مرگ، ظهور و قیامت که می توان از همه آنها به یوم الموعود تعبیر کرد، در زندگی ما چه حضوری دارند؟ آیا یوم الموعود تنها آن هنگام که فرا برسد مهم می شود یا آنکه در برنامه ریزی و طرح بندی امروز ما برای زندگی، نقش دارد؟ چگونه می توان از این ور و آن ور زدن ها و هیاهوها و سرگشتگی های یوم الموعود به دور بود و در آن بی نصیب نماند؟ آنها که با طلوع آفتاب از خواب برمی خیزند فرصتی برای نماز ندارند، آیا نباید پیش از طلوع آفتاب یوم الموعود به نماز ایستاد و خورشید را به انتظار ماند؟

تعطیلات نوروز فرصت مناسبی است تا پاسخ مناسبی برای این پرسش ها به دست آوریم.

دید و بازدید عید و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دید و بازدید عید و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱)

روز نوروز است سرو گلغذار من کجاست؟

درچمن یاران همه جمعند یار من کجاست؟

مونسم جز آه و یارب نیست شب ها تا به روز

آه و یارب مونس شب های تار من

کجاست؟

نیست یک ساعت قرار، این جان بی آرام را

یارب آن آرام جان بی قرار من کجاست؟

سوخت از درد جدایی دل به امید وصال

مرهم داغ دل امیدوار من کجاست!؟

طلیعه

اکنون که در آستانه فصل بهار و مراسم ویژه عید نوروز هستیم و فرصتی پیدا شده تا سنت حسنه صله ارحام و مجالس دید و بازدید، با شور و حال خاصی برپا شود، چه زیبا و بجاست که این مجالس را با ذکر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نورانی و با نقل حتی یک آیه یا حدیث و یا داستان مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، جمع خود و لوح دل را سرشار از معنویت کرده و توجه آن حجت های الهی را به خویش معطوف کنیم و در زمره منتظران حقیقی آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بگیریم. علاوه بر اینکه با این کار، جلوی

ص: ۹۶

هرگونه گناه و بیهوده‌گویی و بطالت عمر گرانمایه نیز گرفته خواهد شد.

سابقه طولانی ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام

گفتگو از فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سابقه ای بس طولانی دارد و پیشینه آن به تاریخ اسلام و اولین روزهای بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم باز می‌گردد؛ اگر چه جستجوی ریشه‌های ذکر فضایل و مناقب این خاندان مطهر علیهم السلام در بستری به وسعت تاریخ بشریت، نه تنها ادعای گزافی نیست، که حقیقتی است غیر قابل انکار، و احادیث و روایات، شاهد و دلیل واضحی است بر این مطلب که در خلال مباحث پیش رو به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم، اما بازگو کردن خوبی‌ها در قالب محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و به شکل سینه‌به‌سینه یا تألیف کتاب‌ها و نوشتن مقالات، به صورت سیره‌ای مستمر و سنتی حسنه، از دوران باشکوه تشکیل حکومت اسلامی توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و زمان عظمت و اقتدار مسلمین، شروع شده و تا زمان ما برقرار بوده است و از این پس هم ان شاءالله ادامه خواهد یافت. این فضایل - که غالباً از ناحیه مقدسه نبی اعظم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده‌اند - دلیل محکمی بر عنایت ویژه آن حضرت بر این گونه مباحث و مطالب است.

علت گفتگو از فضایل و مناقب اهل البیت علیهم السلام

شاید اولین پرسشی که در این زمینه ایجاد می‌شود این است که چرا باید در مجالس از فضایل و معارف مربوط به اهل بیت علیهم السلام گفتگو کنیم؟ در پاسخ این سؤال، گفتنی‌ها بسیار و روایات، بی‌شمار است؛ لکن در این نوشتار به بعضی از مهم‌ترین روایات وارده در این مبحث اشاره می‌کنیم:

ص: ۹۷

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران‌شان به نام فضیل فرمودند: «آیا دور هم می‌نشینید و حدیث ما را برای یکدیگر بازگو می‌کنید؟» گفتم: آری فدایت شوم. حضرت فرمودند: «من این گونه مجالس را دوست دارم، پس با برپایی این مجالس، امر (ولایت) ما را زنده کنید. خدا رحمت کند هر آن کس را که امر (ولایت) ما را زنده می‌کند. ای فضیل! هر کس که ما را یاد کند یا ذکر و یاد ما نزد او به میان آید و به اندازه بال‌پشه‌ای، اشک از چشم او خارج شود، خداوند گناهانش را - ولو به اندازه شن‌های کف دریاها باشد - می‌آمرزد» (۱).

از این روایت زیبا چهار مطلب استفاده می‌شود:

- برقراری مجالس فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام مورد توجه و عنایت حضرات معصومین علیهم السلام است.

- این گونه محافل، باعث زنده شدن و زنده ماندن نام و یاد اهل بیت علیهم السلام می‌شود.

- افراد حاضر در این جلسات، مشمول دعای حضرات معصومین علیهم السلام و رحمت حضرت حق تعالی قرار می‌گیرند.

- حضور در این مجالس، موجب آمرزش گناهان است.

نکته مهم دیگر، این است که وقتی افراد، در این محافل و مجالس شرکت می‌کنند، در اثر گفت و شنود فضایل ائمه معصومین، با کمالات نفسانی و ویژگی‌های خدایی ایشان آشنا شده و به آنان معرفت پیدا می‌کنند و با پیدایش زمینه‌های معرفت، عشق و محبت هم ایجاد می‌شود که کسب این محبت، بر

ص: ۹۸

هر مسلمانی واجب است؛ چنانکه خداوند از پیامبر خود خواسته است که به مردم بگوید: «در قبال زحمات رسالت و هدایت، از شما اجر و مزدی جز محبت به اهل بیت نمی خواهم».^(۱)

و در این فضای نورانی سراسر محبت و عشق است که زمینه های تعلیم و تعلم معارف و آموزه های دینی فراهم می شود؛ چنانکه در فرازهای پایانی زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بمواالاتکم علّمنا الله معالم دیننا؛ با دوستی و محبت شماست که خداوند آموزه های دین را به ما می آموزد».

یکی دیگر از اثرات تشکیل جلسات فضایل اهل بیت علیهم السلام، دور کردن و جریحه دار نمودن ابلیس است. امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

هیچ چیز برای شیطان و لشکرش، کشنده تر از این نیست که عده ای که در راه خدا با هم پیمان برادری بسته اند، همدیگر را زیارت کنند. به درستی که وقتی دو نفر مؤمن یکدیگر را ملاقات، و خدا را یاد می کنند و فضایل ما اهل بیت را می گویند، پاره های گوشت از صورت شیطان کنده می شود و می ریزد و او از شدت درد، فریادش بلند می شود. پس در این حال، ملائکه آسمان و مأموران بهشت، با شنیدن صدای ناله او، وی را لعن می کنند تا جایی که هر ملک مقربی او را لعن گوید. سپس او در حالی که افسوس می خورد، مانند سگی که او را دور کرده باشند، می رود.^(۲)

ص: ۹۹

۱- شوری (۴۲)، ۲۳.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۷.

علامه سید احمد مستنبط رحمه الله این غواص دریای فضایل اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم - که کتاب دو جلدی اش، به نام «قطره ای از دریای مناقب اهل بیت علیهم السلام» از شاهکارهای این موضوع به حساب می آید - پس از نوشتن جلد اول از این کتاب، خواب دید که فوت کرده و سرش در دامان مادرش حضرت زهرا علیها السلام است. از این حالت - که نشان از مقام بلند و بزرگی رتبه اش دارد - متعجب شد و پیش خود فکر کرد که در اثر چه کاری به این مقام بالا دست یافتیم؟ به محض آمدن این سؤال در ذهنش، حضرت صدیقه کبری علیها السلام به او چنین الهام فرمودند که: «این پاداش کسی است که کتاب «القطره» را تألیف کرده است».^(۱)

پایان این نوشتار روایتی است که ابن عباس از وجود نازنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است. ایشان فرمودند:

خداوند، این خلق را عذاب نمی کند مگر به واسطه گناه علمایی که فضایل حقه علی علیه السلام و عترت پاکش علیهم السلام را کتمان می کنند. به درستی که بعد از پیامبران و رسولان الهی علیهم السلام هیچ کس با فضیلت تر از شیعیان و دوستان علی علیه السلام بر روی زمین راه نمی رود، آنانی که امر آن حضرت را آشکار می کنند و فضایلش را انتشار می دهند. رحمت خدا ایشان را در برگرفته و فرشتگان برایشان طلب آمرزش می کنند.^(۲)

چنین احادیث قابل توجهی، ما را به یادآوری فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام -

ص: ۱۰۰

۱- القطره من بحار مناقب النبی والعترة، سید احمد مستنبط، ج ۱، ص ۱۵.

۲- همان، ص ۱۶۵، ح ۱۴۲/۴۹.

که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از جمله آن هاست - تشویق می کنند. چه نیکوست که این محبت درونی را به بیرون از خود تراوش داده و همگان را با نام و یاد و معارف آن غایب همیشه حاضر، آشنا کرده و به ایشان، متوجه سازیم.

ای که می پرسی ز من، کان ماه را منزل کجاست

منزل او در دل است، اما ندانم دل کجاست

ص: ۱۰۱

مهدی موعود، بهار دل ها و جان ها (۱)

زندگی، شیرین است و با عمری پربرکت و طولانی و با عافیت و سلامتی، شیرین تر؛ «طبیعت»، زیباست و با بهاری خرمی بخش، روح افزا و مهر گستر زیباتر؛ «جامعه» شکوهمند است و با حاکمیت عدالت، مساوات، صلح و حق طلبی شکوهمندتر؛ «حیات بشری»، دوست داشتنی است و با آرایه های اخلاق انسانی، خردورزی و دین داری، دوست داشتنی تر و...؛ اما افسوس که مرگ و نابودی همواره در کمین اینها است!!

زندگی دنیوی با «قطع روح» از بدن به پایان می رسد؛ طبیعت در آغوش «پاییز و زمستان» سرد و بی روح می شود، جامعه به فساد و انحطاط دچار می گردد و حیات بشری، حالت حیوانی به خود گرفته و در مصیبت دل مردگی و قساوت، ظلمانی و سیه پوش می شود!! پس مرگ و میرایی، سراغ همه می آید و هشدار تلخ برای همگان است!!

مرگ قلب و جامعه ها

«مرگ» در لغت به معنای از دست رفتن قدرت و توان چیزی است. بدین جهت عرب در موارد خاموشی آتش و از کار افتادن زمین از قابلیت کشت و زرع، و حتی در مورد خواب انسان، کلمه «موت» (مرگ) را به کار می برد.

ص: ۱۰۲

چون در همه اینها یک قدر مشترکی وجود دارد و آن اینکه قابلیت ها و توان ها از میان می رود. (۱)

در قرآن علاوه بر قبض روح انسان ها ، برای بت های فاقد حرکت و جنبش و یا زمین بایر و فاقد سبزه و درخت نیز از این لفظ (موت) استفاده شده است. (۲) پس جهان طبیعت با فرا رسیدن پاییز و زمستان دچار مرگ موقت می شود و در بهار زنده می گردد.

غالباً مرگ را به جسم و تن نسبت می دهند (زمانی که رابطه روح از آن گسسته می شود)؛ ولی از نظر قرآن، آن انسانی که از نظر تفکر و تعقل در درجه بسیار پایین باشد ، زنده نما است: «تو ای پیامبر! مردگان و کران را نمی توانی بشنوانی، آن گاه که بر تو پشت کنند [و از پذیرش حق سرباز زنند]». (۳)

قلب انسان نیز اگر دارای قساوت و ظلمت باشد، مرده ای بیش نیست و این زمانی است که پی در پی مرتکب گناهان شده و نه تنها از آن ها احساس ندامت نمی کند؛ بلکه آن را پیروزی می داند و خشنود می شود! شیطان قلب آنان را اشغال کرده و فرشتگان مقرب الهی را از آنجا خارج کرده است! قرآن می فرماید: «وای بر کسانی که قلوبشان از یاد خدا قساوت یافته است! چنین افرادی در ضلالت آشکار هستند». (۴)

ص: ۱۰۳

۱- مقائیس اللغه، ح ۵، ص ۲۸۳.

۲- تفسیر منشور جاوید، ج ۹، ص ۲۱۰.

۳- نمل (۲۷)، ۸۰.

۴- زمر (۳۹)، ۲۲.

«قلوب آن‌ها قساوت یافته و شیطان کردار زشت را در نظرشان زیبا نموده است».^(۱) این مرگ اخلاقی انسان است که او را از درون تهی نموده و به صورت حیوانی درمی آورد. برای جوامع نیز مانند انسان‌ها برگ و حیات قابل تصور است؛ یعنی، همان طور که یک فرد به دلیل اینکه حرکت و پویایی دارد، پس زنده است و سپس می‌میرد؛ جامعه و امت نیز واحدی است زنده که گرفتار مرگ و نابودی می‌شود. یعنی مانند انسان رشد می‌کند؛ سپس فوت شده و می‌میرد.

قرآن می‌فرماید: «برای عمر هر امتی پایانی است؛ هر گاه پایان عمرشان فرا رسد، نه لحظه‌ای تأخیر می‌کنند و نه لحظه‌ای زودتر فانی می‌گردند».^(۲)

قرآن ستمگری و سرکشی و خروج از خط عدالت و دادگری را مایه هلاکت و نابودی امت‌ها می‌داند؛ بر عکس صلاح و تقوا و درستکاری را مایه بقای دولت و ملت می‌اندیشد. ظلم و تعدی در میان ملل از نقطه کوچکی شروع می‌شود و به مرور زمان به پایه‌ای می‌رسد که انفجار به دنبال می‌آورد:^(۳) «هرگز پروردگار تو، نابود کننده ملت‌ها از طریق ظلم نیست، در حالی که آن ملت‌ها در راه صلاح و پاکی گام بر می‌دارند».^(۴)

اما اگر جوامع و ملت‌ها در طریق پاکی و درستی قرار نگیرند، نابودی و مرگشان حتمی است: «آن جوامع را چون ستم کردند، نابودشان کردیم و برای

ص: ۱۰۴

۱- انعام(۶)، ۴۳.

۲- اعراف(۷)، ۳ و ۴.

۳- منشور جاوید، ج ۱، ص ۳۵۶.

۴- هود(۱۱)، ۱۱۷.

نابودی آنها موعودی مقرر داشتیم» (۱).

البته جامعه ای که آکنده از فساد، ستمگری، هرج و مرج، الحاد و بی دینی، شهوت رانی و ضلالت باشد، مرده متحرکی بیش نیست و تنها راه نجات آن نابودی است، یا اصلاح کامل.

سوگواره دل ها و جامعه ها

بر اساس روایات در عصر پیش از ظهور، هنگامه مرگ بسیاری از دل ها، جان ها و جامعه ها است و تنها یک احیاگر بزرگ و طیب الهی می تواند آنها را از مرگ برهاند و چشم روشنی مصلحان و منتظران واقعی گردد.

بعضی از ویژگی های میرایی (۲) در این دوران (آخرالزمان) به شرح زیر است:

۱. مرگ قلوب

آمده است « هنگامی که مردم بر روی دل های درنده خوی خود جامه میش بپوشند، دل های آن ها از مردار گندیده تر و از خار، تلخ تر است» و «دل مردار قساوت می گیرد و همانند بدنش می میرد». «دل ها را قساوت می گیرد، دیده ها خشک می شود و تلاوت قرآن بر زبان ها سخت می گردد».

۲. مرگ حق و عدالت

«رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ؛ (۳) حق،

ص: ۱۰۵

۱- کشف (۱۸)، ۵۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۶ - ۲۶۰.

۳- کافی، ج ۸، ص ۳۶.

و اهل حق رخت بر بسته است... جور و ستم همه شهرها را فرا گرفته است.» و «دل‌ها را قساوت می‌گیرد و زمین پر از ستم می‌شود». «كَثُرَ الْحَيَؤُورُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُتَنَكَّرُ؛ (۱) ستم و تباهی فراوان و منکر آشکار می‌شود». و «بعد موتها بجور ائمه الضلال؛ (۲) زمین با جور و ستم پیشوایان ظالم و گمراه می‌میرد».

۳. مرگ جوامع

«بعد موتها بکفر اهلها؛ زمین با کفر اهل آن می‌میرد». و «رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ؛ (۳) کافران... از مشاهده فساد و تباهی جهان در پوست نمی‌گنجند». «فاسق‌ترین مردمان بر آنان حکومت می‌کند و پست‌ترین مردم، پیشوایان می‌شود. اشرار از ترس شرارت مورد احترام می‌باشند و غنا و موسیقی علنی می‌گردد. هر ملتی، ملت‌های پیش را لعن می‌کنند». (۴).

۴. مرگ انسانیت

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت جسته، با خونشان آمیخته و همراه خون، در شریان‌هایشان حرکت می‌کند. همواره انسان‌ها را به تهمت و افترا تشویق می‌کند تا فتنه‌ها افق شهرها را فرا گیرد...» و «وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا،

ص: ۱۰۶

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۰.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۵.

۳- کافی، ج ۸، ص ۳۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸.

وَسَيَلْمُطِينُهُ سِبَاعًا، وَ أَوْسَاطُهُ أَكْالًا، وَ فُقْرَاؤُهُ أَمْوَاتًا؛ (۱) اهل آن زمان گرگ شده و پادشاهان آن ها درنده و مردم متوسط آنها خورنده و بینوایان آنها چون مردگان افسرده باشند».

«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود؛ ولی ظواهر آن ها به طمع دنیا آراسته می گردد».

۵. مرگ ایمان و دین داری

«قُلُوبُهُمْ خَالِيَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ؛ (۲) دل ها از ایمان تهی می گردد و مؤمن در میان آنان به هر گونه ذلت و خواری دچار می شود».
و «سَيَخْرِجُونَ أَقْوَامًا مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ (۳) مردم از دین خدا دسته دسته بیرون می روند آن چنان که دسته دسته به آن داخل شده اند» و «اهل زمانه دگرگون می شوند ... دل ها را شک و تردید فرا می گیرد . رشته دین از گردن آن ها خارج می شود و پیوند آن ها با دین قطع می گردد» (۴).

۶. مرگ اخلاق

«إِضَاعَةَ الصَّلَاةِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ؛ (۵) نمازها تباه می شود (و انسان ها) به دنبال شهوت ها رفته و از هوای نفس پیروی می کنند» و «دَبَّ الْكِبْرُ فِي

ص: ۱۰۷

۱- بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۳۹.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

۳- همان، ج ۲۴، ص ۲۱۹.

۴- همان، ج ۵۱، ص ۲۲۰.

۵- همان، ج ۶، ص ۳۰۵.

الْقُلُوبَ كَدِيبِ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ؛ (۱) خودپرستی در اعماق دل ها، نفوذ کرده آن سان که سمومات در بدن ها نفوذ می کند [و باعث مرگ می شود]. «راستی و درستی ، کمیاب و نادر می شود و دروغ همه جا را فرا می گیرد» و... .

۷. مرگ جاهلی (مرگ عقلی و دانایی)

در آن زمان گمراهی زیاد و هدایت کم می شود و «يَكُونُ ذَلِيلًا إِذَا رَفَعَ الْعِلْمَ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ؛ زمانی ظاهر می شود که علم [واقعی] رخت بر می بندد و نادانی ظاهر می شود». (۲) و «أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خَذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ...؛ پا بر جا می شود و جهالت بر سریر قدرت می نشیند و زنگ باطل پس از یک دوره سکوت به صدا در می آید. مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر می دهند». (۳)

بشارت بهار

با آمدن «بهار»، طبیعت بی جان و مرده، حیات دوباره می یابد و روح طراوت و خرمی بر آن دمیده می شود. با آمدن بهار ، اشک شوق از چشمه ها و رودها جاری می شود و دشت و صحرا با صدها رنگ زینت می یابد. موج سبز حیات از هر روزن خاک دریایی می شود و سرود خوش آهنگ هستی ، در دشت و چمن به گوش می رسد. خواب از چشمان خمار درخت ها و گیاهان زدوده می شود و با عطر شکوفه و شوق نسیم، خاطره سرما و خزان فراموش می گردد. قلب

ص: ۱۰۸

۱- همان، ج ۵۲، ص ۲۶۲.

۲- همان، ج ۵۱، ص ۷۰.

۳- همان، ۳۴، ص ۲۳۹.

دردمند پرندگان با رویش جوانه ها تسکین می یابد و آزردهای خاطر پروانه های مهجور و محبوس ، با طنازی گل بر طرف می شود. گل خنده، بر سیمای ابرها و بادها، نشانده می شود و با ترانه های باران و قطرات شبنم، هر وجودی به شمع در می آید. حریر سبز طبیعت، پرده بر منظره غم بار دل مردگی ها می کشد و شکوه دوباره زندگی، رویش ، شکوفایی، اعتدال و سرزنده بودن را به نمایش در می آورد.

امام مهدی نیز بهار «انسان ها و جامعه ها»، «دل ها و دین ها» و «اندیشه ها و خردها» است. وجود بشر و اجتماع، از او حیات دوباره می گیرد و رونقی بسزا در جهان می افتد. با آمدن او حتی طبیعت نیز نه یک بهار؛ بلکه هزاران بهار را در یک آن می بیند. دگرگونی شگفت آوری در زمین و زمان مشاهده می شود: «نور» سراسر گیتی را فرا می گیرد؛ «عدل» بر سریر عزت و عظمت می نشیند؛ «عقل» شکوفاتر از گل ها می شود؛ «دین» ، احیا شده و رونق می گیرد؛ «جامعه» اصلاح و پاکسازی می گردد؛ «انسان» لباس کرامت و معنویت می پوشد؛ «حق» بر کرسی حکومت و سیاست باز می گردد؛ «کمال» در سر منزل مقصود بشر قرار می گیرد؛ «هدایت» چو خورشید فروزان بر جان ها می تابد؛ «بصیرت» هنر فرزاندگی و برازندگی می شود؛ «صلح» آرامش خاطر هر جنبنده ای را فراهم می سازد؛ «ایمان» انسان ها را محبوب خالق می کند؛ «اخلاق» برکات آسمان و زمین را جلب می کند و

احیاگر بزرگ

امام مهدی علیه السلام اندوخته خداوند برای احیاگری و حیات بخشی، هدایت گری و نورافشانی، رشد و بالندگی و تکامل و تعالی است. کار او کیمیاگری است ؛

ص: ۱۰۹

چون انسان ها را از صورت حیوانی خارج می کند و به سیرت انسانی و الهی باز می گرداند. او فطرت های خاموش را با نور بصیرت و هدایت روش می سازد و دل های قسی و مرده را با روح اخلاق و تربیت ، احیا می کند. او کار نیمه تمام همه پیامبران و صالحان را در تکمیل مکارم اخلاقی، با برپا داشت قسط و عدالت، گسترش ایمان و معنویت و نجات انسان از مرگ جاهلی به پایان می رساند و کاری می کند کارستان... او همه را زنده و احیا می کند و نور طراوت، سرزندگی و حیات معنوی و اخلاقی را به جهان می افشاند ، زندگی واقعی و انسانی، فقط در سایه وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل دسترسی است.

۱. احیای جامعه مرده

« فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ؛ (۱) و خداوند [زمین] را به دست قائم زنده و احیا می گرداند؛ بعد از آنکه زمین با کفر ساکنانش مرده باشد».

۲. احیای دل و عقل

«چون قائم قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند».(۲) و «شیوه پیامبر خدا را در پیش می گیرد و شما را از کوری، کری و گنگی [باطنی] نجات می دهد».(۳) و «يَفْتِيحُ حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَقُلُوبًا غُفْلًا؛ (۴)

قلعه های گمراهی و دل های قفل شده و

ص: ۱۱۰

۱- تأویل الآيات الظاهرة، ص ۶۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶-۷۱۴.

۳- کافی، ج ۸، ص ۶۶.

۴- ينابيع الموده، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۲۳.

بسته را باز می کند».

۳. احیای مکارم اخلاقی

«يُضْلِحُ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا؛(۱) او این امت را پس از آنکه فاسد (تباه) شده اند، اصلاح می کند و شر از بین می رود و خیر باقی می ماند». و «زنا و شراب خواری و ربا ریشه کن می شود. مردم به عبادت و دستورات شرع روی می آورند. عمرها دراز و امانت ها برگردانده می شوند».(۲)

۴. احیای آموزه های دینی

«يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛(۳) مهدی بر طبق شیوه رسول خدا رفتار می کند و آنچه از نشانه های گذشته باشد، از میان می برد، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن ساختن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده می کند». و «فَيُعَلِّي أَمْرَ اللَّهِ وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ؛(۴) امر خداوند را برتری می دهد و دین الهی را ظاهر می سازد».

۵. احیای کتاب و سنت

«هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه، رویش تازه و داوری تازه

ص: ۱۱۱

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳.

۲- منتخب الاثر، ص ۵۹، ح ۴.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۳۰، ح ۱۳.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

باخود آورد...» (۱) «به خدا سوگند! گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می بینم که از مردم برای امری تازه، و حکومت آسمانی تازه بیعت می گیرد» (۲).

۶. احیای جهان ظلمانی

«چون قائم قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و مردم همگی بی نیاز می شوند» (۳) و «زمین را از عدل، قسط، نور و برهان آکنده می سازد» (۴) و «خداوند به دست او، [انسان ها را] از نابودی و تباهی نجات می دهد و به وسیله او از ضلالت و گمراهی [به راه راست] هدایت می کند» (۵).

۷. احیای بندگی و عبودیت

«دل های بندگان را پر از عبادت می کند و عدلش فراگیر می شود» (۶) و «... هنگامی که قائم ما قیام کند، جز خدای تبارک و تعالی پرستیده نمی شود» (۷).

۸. احیای طریق طهارت

« تطیب الدنيا و اهلها فی ایام دولته؛ (۸) دنیا و مردم آن در دوران حکومت

ص: ۱۱۲

۱- اثبات الهداه، ج ۷، ص ۸۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

۳- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۸۱.

۴- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۱.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۱.

۶- غیبت طوسی، ص ۱۷۹.

۷- منتخب الاثر، ص ۵۸۷.

۸- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۳.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پاک و پاکیزه می شوند». و «لَا يَتْرُكُ فِي الْأَرْضِ الْأَذْنِينَ؛ (۱) پستی ها را بر روی زمین باقی نمی گذارد». و «لَيَطْهَرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍّ وَ لَيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ؛ (۲) زمین را از هر فریب کاری و پلیدی پاک می سازد و به عدالت رفتار می کند».

۹. احیای خیرات و برکات

« يكثر الخير والبركات؛ (۳) فتنه ها و ناامنی از بین می رود و [به جهت وجود او] نیکی ها و برکات فزونی می یابد». و «تخرج الارض برکتها...؛ (۴) زمین پر برکت می شود و امت من در عصر او، چنان زندگی [خوبی] دارند که در هیچ زمانی چنین نبوده است».

۱۰. احیای آیین دادگری

«فَيَحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيِي أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ؛ (۵) خداوند زمین را به دست قائم زنده می کند؛ پس او در آن عدالت می ورزد. پس زمین زنده می شود و مردم آن حیاتی نوین می یابند، بعد از مرگشان». و «زمین را آکنده از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از جور و ستم پر شده بود». (۶) و

ص: ۱۱۳

۱- منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۳- منتخب الاثر، ص ۵۷۸.

۴- کنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۱.

۵- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵ ح ۳۹.

۶- غیبت نعمانی، ص ۱۸۹، ح ۶۴.

« يَرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ؛(۱) به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل [و حکومت عادلانه] چگونه است.»

و این زندگی زیبا دیگر با بدی ها نابود نخواهد شد و قساوت و پلیدی بر او سایه نخواهد گستردانید.

ص: ۱۱۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

عید نوروز از جمله اعیاد کهن ایرانیان است که حرف های ضدّ و نقیض زیادی درباره آن بیان شده است. عید نوروز به عنوان یکی از بزرگ ترین و با شکوه ترین اعیاد در بین مردم کشور ما و برخی از کشورهای همسایه مطرح می باشد. وجود احادیث بسیار در این خصوص از سویی و ذکر اعمالی از قبیل استحباب غسل، روزه، نماز در این روز و نام گذاری این روز به نام اهل بیت علیهم السلام از سویی دیگر، نگارنده را به نگارش این مقاله ترغیب نموده است.

نوروز در آینه روایات

نقل شده است که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام پالوده هدیه دادند. فرمود: «این، به چه مناسبت است؟» گفتند: «به مناسبت نوروز». فرمود: «اگر قدر بدانید، پس هر روزی، نوروز است» (۲). روایات دیگری هم در این خصوص داریم که نشان می دهد در آن زمان، بسیاری از مردم، برای امام علی علیه السلام هدیه نوروزی می بردند و آن حضرت نیز قبول می کردند. هدیه ها غالباً عبارت بودند از شکر، پالوده، سمنو و گاه لباس های گران بهای زرباف که در ظرف هایی از نقره می گذاشتند و به خدمت آن حضرت می بردند.

ص: ۱۱۵

۱- علی نجفی.

۲- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶.

هم چنین معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

همانا نوروز، همان روزی است که در غدیر خم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مردم برای علی علیه السلام عهد گرفت. پس مردم به ولایت او اقرار کردند، پس خوشا به حال کسی که به عهد خود ثابت قدم ماند و وای به حال کسی که آن را بشکند. و آن، همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به سوی وادی جنّ روانه کرد و از آنها عهد و پیمان گرفت. و آن، همان روزی است که حضرت علی علیه السلام بر اهل نهروان غالب شد و ذوالثدیّه را کشت. و آن، همان روزی است که قائم ما اهل بیت علیهم السلام و صاحب امر، ظاهر خواهد شد و خداوند متعال، او را بر دجال غلبه خواهد داد؛ پس آن حضرت، دجال را بر کناسه کوفه به دار خواهد کشید و هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن، انتظار فرج را داریم: برای این که نوروز از ایام ماست. ایرانیان آن را حفظ کرده اند، و شما (عرب ها) آن را ضایع کرده اید. پس پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند خواست قومی را زنده کند که به جهت ترس از مرگ، از خانه هایشان بیرون رفتند و آنها هزاران نفر بودند و خداوند، همه آنها را میراند. پس خداوند به آن پیامبر، وحی کرد که در گورهای آنها آب بریزید. پس در همین روز در گورهای آنها آب ریختند و همه آنها زنده شدند و حال این که آنها سی هزار نفر بودند، پس آب ریختن در آن روز، سنت قدیمی گردید؛ اما هیچ

کس علت آن را نمی داند مگر راسخان در علم و آن روز، اولین روز از سال ایرانیان است. (۱)

معلی بن خنیس نیز نقل کرده است: در بامداد روز نوروز بر ابی عبدالله وارد شدم پس (حضرت) فرمودند: «ای معلی آیا این روز را می شناسی؟» گفتم: «نه. ولی می دانم روزی است که ایرانیان از آن تجلیل می کنند و در آن به همدیگر تبریک گفته و دعای خیر می کنند». فرمود: «قسم به خانه کهن (کعبه) - که در دل مکه است، تجلیل این روز نیست مگر برای یک امر قدیمی که آن را برای تو تفسیر می کنم؛ تا این که از آن مطلع شوی». پس گفتم: «اگر این علمی را که نزد شماست فرا گیرم، برای من دوست داشتنی تر است از این که تا ابد زندگی کنم. خداوند، دشمنان شما را نابود کند». ایشان فرمود: «ای معلی، روز نوروز همان روزی است که خداوند در آن از بندگانش عهد گرفت که او را عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک او ندانند و این که به رسولان و انبیا و اولیایش ایمان بیاورند. و آن، اولین روزی است که خورشید، در آن طلوع کرد و بادهای باردار کننده، در آن وزیدند و گل ها و شکوفه های زمین، آفریده شدند. و آن، روزی است که کشتی نوح علیه السلام بر کوه جودی قرار گرفت. و آن روزی است که در آن، قومی که از ترس مرگ از خانه های خود خارج شده بودند و هزاران نفر بودند و خداوند، آنها را میرانده بود، در این روز زنده شدند. و آن، روزی است که جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردید. و آن، روزی است که ابراهیم علیه السلام بت های قوم خود را شکست. و آن، روزی

ص: ۱۱۷

۱- عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۸.

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بر دوش خود سوار کرد تا بت های قریش را از بالای خانه خدا به پائین اندازد و آنها را خرد کند» (۱).

مقصود از نوروز در روایات

در واقع، ائمه اطهار علیهم السلام نوروز را روزی می دانسته اند که خداوند، در آن، معبود و مسجود، و دین و امر او در آن، ظاهر و غالب شده باشد. این معنا از احادیثی که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است، کاملاً به دست می آید؛ چنانکه آن حضرت فرمودند: «هر روز ما، نوروز است» (۲). چون پیداست که ائمه اطهار علیهم السلام همواره به طاعت و پرستش خداوند مشغول بوده اند. و یا در حدیثی دیگر فرمودند: «هر چیزی را برای ما اختیار کنید؛ که در این صورت، هر روزتان نوروز است» (۳). در حدیثی دیگر نیز آمده است: «اگر قدر بدانید، هر روز، نوروز است» (۴). یعنی اگر معصیت خداوند را نکنید و قدر عمر خود را بدانید و هر روز، پیشرفتی داشته باشید، آن روزتان، نو و تازه است؛ اما اگر پیشرفت نداشته باشید و در جا بزنید، پیداست که این روز، همان روز گذشته است و در این صورت نه نوروز، که کهنه روز خواهد بود!

هم چنین امام علی علیه السلام در کلامی گهربار فرمود: «هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، عید است» (۵).

ص: ۱۱۸

۱- همان.

۲- قال علی علیه السلام: «نیروزنا کل یوم»؛ (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰).

۳- همان.

۴- همان.

۵- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

بنابراین از دیدگاه ائمه اطهار علیهم السلام هر روزی که در آن، معصیت خداوند نشود، بلکه امر و دین خداوند، ظهور و تبلور داشته باشد، نوروز است و به همین خاطر، امام صادق علیه السلام در روایت معلی بن خنیس آن ایام را نوروز خواند، چون در غدیر خم، امر خداوند ظاهر و غالب شد و دین او کامل گشت؛ در جنگ نهران نیز با پیروزی امام علی علیه السلام دین خدا، پیروز و به این سبب، خداوند، عبادت شد. روز نزول جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز به این خاطر نوروز است که سرآغاز توحید و عبادت خداوند و دوری از شرک و جهالت است. و بالأخره اگر روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوروز نامیده می شود، به جهت پیروزی کامل دین و امر خداوند بر شرک و نفاق می باشد و به همین خاطر، روزی تازه و نو نامیده می شود؛ چون در آن روز، دنیا روزی تازه را شروع خواهد کرد. در تمام روزهایی که در حدیث ذکر شده، نوروز نامیده شدند، دنیا با اتفاقی مهم، روزی جدید و تازه را آغاز کرده است.

با این توضیح، شاید چنین به ذهن برسد که نوروز در احادیث، یک روز خاص از سال نمی باشد؛ اما تحقیق مطلب این است که هر چند در نظر ابتدایی، از این احادیث چنین مطلبی استفاده می شود؛ اما با توجه به سؤال و جواب راویان، به نظر می رسد که مقصود از نوروز، علاوه بر معنای بالا می تواند همان روز خاص باشد.

مثلا در همان حدیث معلی، وی می گوید: «در روز نوروز، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و امام سؤال کرد: آیا این روز را می شناسی؟...».

اساساً در بعضی از احادیث، تصریح شده است که آن نوروز، اول سال ایرانیان است. پیداست آن نوروزی که ایرانیان، از قدیم الایام آن را حفظ کرده اند، همان عید نوروزِ معروف و مشهور است.

مطلبی که از این احادیث استفاده می شود، این است که در طول اعصار مختلف و به دنبال وقوع تحولات بزرگ دینی و اجتماعی در زمان نوروز، روح و حیات تازه ای به آن بخشیده شده؛ به نحوی که به جهت آن تحولات، شایسته است که آن روز را نوروزی دیگر بنامیم.

شاید کسانی که جلوس «جمشید» به پادشاهی (۱) و یا ورود او به آذربایجان (۲) را علت پیدایش نوروز می دانند، همین مطلب را در نظر داشته اند؛ یعنی چون تجدید آئین ایزد پرستی - در روزگاری که صابئیون، حتی پادشاه زمان خود را هم به پیروی از خود وادار کرده بودند - در نظر مردم، بسیار با اهمیت و بزرگ، جلوه کرد، آن روز را نوروز خواندند و همین امر باعث شد کسانی که اطلاع دقیقی از تاریخ پیدایش نوروز نداشتند، آن روز را نوروز بدانند؛ غافل از این که نوروز، از زمان حضرت آدم علیه السلام مطرح بوده است. در واقع، منظور از «نوروز» خواندن چنین ایامی، نه این بوده که آنها این واقعه را منشأ پیدایش نوروز بدانند، بلکه فقط خواسته اند اهمیت و عظمت آن روز را بیان و معرفی کنند.

بنابراین با کمی دقت به این نتیجه می رسیم که احادیث ائمه علیهم السلام، به افراد و جزئیات زندگی روزمره آنها نظری ندارند، بلکه به تحولات اجتماعی و سیاسی

ص: ۱۲۰

۱- بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۴۱؛ المحاسن و الاضداد، ص ۲۷.

۲- التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، ص ۲۵۳.

- که به تمام انسان ها و عقاید آنها مربوط شوند - نظر دارند و نوروز را از این حیث، تعریف و تفسیر می کنند. ایشان می خواهند ما را متوجه علت واقعی نوروز کنند و آن، این که اگر ائمه علیهم السلام نوروز را نوروز می خوانند، به جهت وقایع و تحولات بزرگی چون غدیر و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در چنین روزی است و همین تحولات عظیم، باعث بزرگی و عظمت این روز شده است.

بنابراین با اطمینان کامل می توانیم بگوئیم که احادیث، نوروز را به عنوان روزی خاص از سال - که همان اول سال ایرانیان باشد - به روزی که امر دین و قدرت خداوند در میان مردم و جامعه، ظهور و تبلور یافته تفسیر نموده اند.^(۱)

ص: ۱۲۱

۱- این مقاله به جهت تخصصی بودن برخی مطالب آن و مخاطبین عام مجله با مقداری تلخیص تقدیم خوانندگان گرامی شده است.

بهار، آهسته در راه است و نوروز می آید و فصل سرد زمستان پایان می پذیرد.

با آمدن بهار درختان و گل‌های سرد و مرده جوانه می زنند و لباسی زیبا و نو به تن می پوشند که بعضی از آنها لباس خود را با شکوفه های معطر زینت می دهند و بوی عطر و سبزه فضا را نشاط انگیز می گرداند و عید نوروز و طبیعت می آید.

بسیاری قبل از نوروز و قبل از تحویل سال با آداب ویژه ای به استقبال نوروز می روند، به نظافت و شستشو می پردازند و خود را از آلودگیها می زدایند. لباس کهنه و قدیمی را از تن خارج ساخته و لباس نو و جدید به تن می کنند و به این شکل با طبیعت همگام شده و همراه با تحول طبیعت در خود نیز تحول ایجاد می کنند.

عید از ماده «عود» گرفته شده و به معنی «بازگشت» می باشد. در لغت نامه ها آمده است که، عید یعنی بازگشت به وضعیت مطلوب گذشته و به روزهای سرور و شادی نیز عید گفته می شود.^(۲)

ص: ۱۲۲

۱- علی اصغر رضایی.

۲- مفردات راغب، ص ۳۶۳.

بهار، آهسته در راه است و نوروز می آید و فصل سرد زمستان پایان می پذیرد.

با آمدن بهار درختان و گل‌های سرد و مرده جوانه می زنند و لباسی زیبا و نو به تن می پوشند که بعضی از آنها لباس خود را با شکوفه های معطر زینت می دهند و بوی عطر و سبزه فضا را نشاط انگیز می گرداند و عید نوروز و طبیعت می آید.

بسیاری قبل از نوروز و قبل از تحویل سال با آداب ویژه ای به استقبال نوروز می روند، به نظافت و شستشو می پردازند و خود را از آلودگیها می زدایند. لباس کهنه و قدیمی را از تن خارج ساخته و لباس نو و جدید به تن می کنند و به این شکل با طبیعت همگام شده و همراه با تحول طبیعت در خود نیز تحول ایجاد می کنند.

عید از ماده «عود» گرفته شده و به معنی «بازگشت» می باشد. در لغت نامه ها آمده است که، عید یعنی بازگشت به وضعیت مطلوب گذشته و به روزهای سرور و شادی نیز عید گفته می شود. (۲)

ص: ۱۲۳

۱- علی اصغر رضایی.

۲- مفردات راغب، ص ۳۶۳.

در قرآن کریم می خوانیم: عیسی بن مریم عرض کرد: خداوندا! از آسمان مائده ای برای ما بفرست تا برای اول و آخر ما عیدی باشد، و نشانه ای از تو و به ما روزی ده و تو بهترین روزی دهندگانی. (۱)

مرحوم میبیدی در کتاب کشف الاسرار خود می گوید:

عید، بدین سبب عید نامیده شد که خداوند متعال با رحمت خود به سوی بنده اش بر می گردد و بنده با فرمانبری به سوی پروردگارش باز می گردد.

امام علی علیه السلام در مورد عید می فرماید: هر روزی که در آن نافرمانی خداوند نشود، آن روز عید است. (۲)

در اسلام از چندین مناسبت به عنوان عید نام برده شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

در روز قیامت چهار روز است که از امتیاز خاصی برخوردارند و به طرف خدای متعال می روند همان گونه که عروس را به حجله می برند و آن روز عید فطر، عید قربان، عید جمعه، عید غدیر خم است اما عید غدیر نسبت به عید فطر، قربان و جمعه، نسبت ماه به ستارگان است. (۳)

عید فطر

در عید سعید فطر مسلمانان پس از یک ماه روزه داری و شب زنده داری و عبادت و درک شبهای مبارک قدر، در حالی ماه مبارک رمضان را پشت سر

ص: ۱۲۴

۱- مائده (۵)، ۱۱۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.

۳- بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۴، ص ۳۲۳.

می گذارند که از گناهان پاک شده روز اول شوال را به عنوان عید فطر، یعنی بازگشت انسان به فطرت پاک خود نامگذاری شده است؛ چرا که همان طور که از ماه رمضان، خارج می شوند، از گناهان هم خارج می شوند.

عید قربان

در ماه ذیحجه، حاجی مسلمان وقتی می خواهد وارد حرم امن الهی شود از میقات، احرام می بندد و با پوشیدن لباس احرام لباس تقوا و فرمانبرداری خداوند را به دوش می اندازد و لیک می گوید و لباس گناه را از تن بیرون می آورد و پس از انجام یکسری عبادات در سرزمین منی در روز دهم ذیحجه با قربانی، دیو نفس را قربانی می کند و با سر تراشیدن غرور و خودخواهی را دور می ریزد و از گناهان و صفات رذیله و زشت خارج می گردد.

عید غدیر

یکی از اعیاد بزرگ ما مسلمانان است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ آن روز خداوند نعمتش را بر مسلمانان تمام کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: روز غدیر بالاترین عید امت من می باشد. در آن روز علی علیه السلام به جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منصوب شد و کشتی هدایت به مردم معرفی گردید.

عید نوروز

اسلام نوروز را نه به طور کلی رد نموده و نه به صورت کلی پذیرفته است، بلکه اسلام بخشی از کارهای نوروز مثل صله رحم، نظافت، تقسیم شادی ها، تفریح و گردش، رفتن به زیارت قبور مطهر شهداء و گذشتگان و همچنین دعا کردن در حال تحویل سال و نماز خواندن را که موجب سعادت انسانها

می باشد، پذیرفته و به آن جهت شرعی و اسلامی می دهد. ولی از سوی دیگر، جهات منفی و خرافات آن را مانند سبزه پرت کردن در روز سیزده و نحس دانستن سیزده، سبزه گره زدن و از روی آتش پریدن را ممنوع نموده و باطل می داند.

آداب نوروز

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان می گوید: امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس که از یاران مخصوص خود می باشد فرمود: چون روز نوروز شود غسل کن، و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان، و در آن روز روزه بدار. و سپس اعمال دیگری را ذکر می کند.

در برخی روایات آمده است: نوروز روزی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و هیچ نوروزی نیست که ما انتظار فرج را نداشته باشیم....

یا آمده است: نوروز، روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم برای امیرمؤمنان علیه السلام در غدیر خم پیمان ولایت گرفت و مردم به ولایت او اقرار کردند خوش به حال کسی که بر آن پیمان ثابت بماند و وای بر کسی که آن عهد را بشکند.

از سنت های ایرانی ها است که در عید نوروز به همدیگر عیدی و هدیه می دهند، اسلام هم به هدیه دادن سفارش کرده است و هدیه را باعث ایجاد محبت بین مسلمانان و خانواده ها و کار پسندیده ای می داند.

در روایتی آمده است: هدیه ای نوروزی برای حضرت علی علیه السلام آورده شد، حضرت پرسید: این چیست؟ گفتند: امروز نوروز است. علی علیه السلام فرمود: هر روز را برای ما نوروز سازید. (۱)

ما هم شایسته است با انجام کارهایی که امام عصرمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شاد می سازد، بهترین هدیه ها را خدمت ایشان بدهیم.

از دیگر آداب مردم در روز عید چیدن سفره هفت سین است که این سفره با چیدن ۷ چیز که اول آنها با «سین» شروع می شود انجام می گیرد.

سمنو، سرکه، سنجد، سماق، سبزه، سکه، سیر و در کنار آنها سر سفره قرآن نهاده می شود.

ما اگر چه این سنت را تأیید نمی کنیم اما می شود این سنت را چنین نورانی نمود:

۱. در قرآن ۷ سلام داریم که اول آنها با «سین» آغاز شده است:

سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْلِيسَ، سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ، سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ... .

در این آیات، بر انبیاء خدا و اهل بیت پیغمبر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بهشتیان سلام فرستاده شده است. که در این میان مهدی آل پیامبر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم قرار دارد. باید در لحظه تحویل سال، دل و جان را به یاد حضرت گره زد.

ص: ۱۲۷

۱- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۲، باب ۸۸، حدیث ۱۴.

۲. هم زمان با تحویل سال افراد سر سفره ای که تزئین شده، مشغول تلاوت قرآن می شوند. باید در کنار سفره تزئین شده به نوعی انتظار قدوم ایشان را داشت و با سبزه ای که در سفره است، سبزی ایام ظهور را انتظار کشید. و در کنار خواندن قرآن، جان را به یاد قرآن ناطق (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) سپرد.

آری، نگاه به قرآن و آیات انسان را با نشاط می کند و امید را در دل انسان زنده می کند و چشم انسان را نورانی می کند و انسان را سرزنده می کند، همان طور هم نگاه به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ذکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انسان نشاط می دهد و امید را در دلهای منتظران زنده می کند و به انسان نورانیت می بخشد و همان طور که قرآن از انبیاء گذشته نام می برد و به خوبی یاد می کند، یاد مهدی و نگاه به مهدی هم شباهت و صفات خوب انبیاء را در ذهن انسان تداعی می کند.

یاد

مهدی یاد جمله انبیاء است

چون

که صد آمد نود هم پیش ماست

۳. بالاخره، در سر سفره هفت سین، مؤمنان به دعا و راز و نیاز می پردازند. در رأس دعاها سلامتی و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، چرا که با ظهور آن بهار، بدی ها، چون برف سرد، نابود می گردد و شادی و شادمانی برای همه رخ می نماید.

۴. نوروز و عید را باید با عهد با امام و دوری از گناه، روزی نو و عیدی زیبا قرار داد.

آری، همان طور که طبیعت سر سبز و شاداب می شود و همه چیز نو می شود، امید در دلهای منتظران امام زمان □ هم نو و سرسبز و شاداب

ص: ۱۲۸

می گردد و عطر انتظار به فضای جان آنها سرسبزی و شادابی دوباره می بخشد و انتظار، جوانه می زند و نوروز طبیعت با نوروز انتظار عجین می شود و شکوفه های آن بیش از پیش شکوفا می شود و فضا را عطر آگین می کند و به این فراز از دعای تحویل سال که در روایات متعدد آمده است؛ «یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال» که بهترین حال، انتظار فرج آقا امام زمان - ارواحنا له الفدا- می باشد، ماهیت و مفهوم می بخشد.

ای عید

عاشقان به حقیقت جمال تو

هر لحظه عیدی

رسد از وصال تو

عید کسان غره

شوال و عید من

آن ساعتی بود

که بینم جمال تو

ص: ۱۲۹

بخش دوم: متن های ادبی

اشاره

ص: ۱۳۱

السلام عیک یا بقیهالله؛ السلام علیک یا ربیع الانام و نصره الایام

سلام بر بهار عالمیان و شادابی روزگاران و سلام بر نایب آن یادگار خدا، حضرت امام خمینی رحمه الله که دم روح اللهی اش بشارت طلوع بهار ظهور را نزدیک ساخت و امر خروج حجت حق را آسان نمود.

خدایا! کی غم عشقت سر آیه؟

تو گفتی: تا بهار دیگر آیم

نهال آرزویم در بر آیه؟

نشینم تا بهار دیگر آیه

« بهار عشق »

ای فدای آن نگار! لاله های بی شمار

با تو می گردد بهار، این خزان بی بهار!

بی تو، ما هیچ و تهی، معنی بودن تویی!

با تو آید در حساب، صفر های بی شمار

لاله می سوزد به دشت، خون همی جوشد ز طشت

چشم شهلا شد سپید، شام تار انتظار

روی سیم انتظار، خسته دل نشسته اند

دسته دسته در غروب، صد پرستو بی قرار

تا دمد مهر تو از، پشت کهسار قرون

موی عالم شد سپید از غبار روزگار

چشمه ها خشکید و باغ، آه حسرت می کشد

ابر عالمگیر عشق! ای بهار گل، بار!

از نسیم موی تو، باغ خندان می شود

باز می خندد هزار، بر سر هر شاخسار

از پس خاکستر، سال های التهاب

باز گل خواهد نمود، آتش دیدار یار

می رود از خاطر، یاد شب های فراق

می رود از هر کتاب، واژه های انتظار

صور توفانزا بدم، آستین افشان دگر

ابر های فتنه را، کن زهستی تار و مار

وارث حیدر بیا! ملجاء مضطر بیا!

بر دل ظلمت بکش، آذرخش ذوالفقار!

صاحب قرآن تویی! معنی انسان تویی!

جان زهرا مادرت چشم از ما بردار!

باز کن پنجره را!

این عروس گل بخت بهار است که با دو صد هلله و شور و صفا می آید!

بهتر از پیش با شمیم شهدا، با عطری از خون خدا، در قافله نور با روح اهورایی در هودجی از بلور، با خلعت سبز حضور، با

توری از شکوفه های سپید، با لباس اطلسی با پیراهن شقایق، با گیسوی بید مجنون با کلاهی از تاج خروس، با شکوفه لبخند، با

ترانه باران، با نسیم مسیحایی و با عطر گل محمدی!

باز کن پنجره را!

بهار می آید؛

با بوی بنفشه و شمیم شقایق، عطر گل یاس و رایحه روح و ریحان و تنفس پاک انسان!

بهار می آید؛

با عطر بکر گل های وحشی، با بوی وحشی بوته های کوهی

با حس غریب، دورترین دره های مخمل پوش!

بهار می آید؛

با گلدان های شب بو، با کوچه های مست یاس با دشت های خمار نرگس، با کوچه باغ های روشن شکوفه و خیابان های خلوت و گرم عشق!

بهار می آید؛

با بوی سپید افاقی، با عطر سرخ گل، با شمیم یشمی شبدر، با بوی روستایی علف های تازه، با عطر روح انگیز اطلسی، با رایحه رویایی باران و کاهگل!

بهار می آید؛

با غوغای غوک ها، با رقص ماهی ها، با قشقرق گنجشک ها، با چهچه چلچله ها، با جیر جیر جیر جیرک ها، با فهقه کبک ها، با آواز بلبلان، با نغمه پرندگان، با شیدایی پروانه ها، با جست و خیز غزالان رعنا

و نافه مشکین آهوان ختا!

بهار می آید؛

با نجوای باد و بید، با پیچ پیچ دخترکان کوزه به دوش، با نی لبک چوپان، با شیهه اسبان، با بع بع بره ها و با همهمه بچه ها!

بهار می آید؛

ص: ۱۳۴

با پاکی شب‌نم، با نگاه پر مهر آفتاب، با یک بغل شعر باد و باران، با زمزمه جویباران، با سرود آبشاران، با غلغل چشمه ساران، با شروه خوانی رود خانه‌ها و با تلاوت آبی دریا!

او می‌آید؛

با مهری از نور، با سبحة غنچه، با سجاده چشمه، رو به قبله گل سرخ، در محراب ابروی نگار، در شبستان چمن با خیل فرشتگان نماز باران می‌گزارد!

بهار می‌آید؛

با آغوشی از نیلوفر، با کوله باری پر از پونه و آویشن، با سفره‌ای پر از کنگر و ریواس، با توبره‌ای آکنده از گل‌های وحشی و خورجینی لبریز از آواز قناری! با بقچه‌ای چپیده از چههه چکاوک، با دشتی لبالب از کبوتر و بلبل و با آسمانی پر از آواز پر چلچله!

بهار می‌آید؛

با بام‌های کاهگلی روستا در شب‌های پر ستاره، با ایوان‌های خلوت در شب‌های مهتابی، با صبح آفتابی، با آسمان آبی و با شکوفه‌های سیب و گلابی!

او می‌آید و نوروز را می‌آورد، با عطر عیدی بر سر سفره‌های هفت‌سین، با دعای آمین، با تخم مرغ‌های رنگین و با بازدید آن و این!

((فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ)) (۱)

ص: ۱۳۵

«پس زمین را بعد از مرگش زنده کردیم و چنین نیز مردگان را در قیامت زنده نماییم».

او می آید و دشت و دمن را مملو از گیاه و گل و آب و پرنده و نور خواهد کرد! و بار دیگر موسم جوشش و رویش، موعد دیدار یاران هنگامه گرمی و محبت خویشان و فصل دوستی و آشتی همگان فرا می رسد!

او می آید و نبض زمین در التهاب دیدار دل افروز او می تپد!

او می آید و زمین مرده با صبح تنفسش جان می گیرد!

صبا به سبزه بیاراست دار دنیا را

نمونه گشت جهان مرغزار عقبی را

شمیم باد در اعجاز زنده کردن خاک

ببرد آب همه معجزات عیسی را(۱)

او می آید!

با صد هزار نگار و هرکس را با او حرفی و با نگارنده این همه نقش و نگار حالی!

او می آید!

و با همه جلوه هایش با ما حرف می زند با جلوه هایی که گفتیم و نگفتیم!

عارف در جمال بهار جلوه جهان آفرین می بیند و عاشق از عطر او بوی نگار را می شنود.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را(۲) و شاعران نکته سنج طرفه گوی در هر بیتی، پنجره ای به سوی بهار، باز می کنند و پرده ای از جلوه آن نگار بر می گیرند که به خاطر رنگارنگی این

ص: ۱۳۶

۱- تاریخ جهان گشای جوینی.

۲- فروغی بسطامی.

آسمانه، شما را به نیوشیدن پرده هایی از نغمه پردازان و عندلیبان گلستان سخن فرا می خوانیم. و اینک با شما حسن مطلع این مقوله را با پرده ای بدیع از نگارستان شعر صائب تیریزی به تماشا می نشینیم؛

از دل پر خون بلبل کی خبر دارد بهار؟

هر طرف چون لاله صد خونین جگر دارد بهار

مستی غفلت حجاب نشنه بیگانگیست

ورنه بیش از باده، در دل ها اثر دارد بهار

از قماش پیرهن غافل ز یوسف گشته اند

شکوه ها از مردم کوتاه نظر دارد بهار

از برای مو شکافان در رگ هر سنبلی

معنی پیچیده چون موی کمر دارد بهار

هر زبان سبزه او ترجمان دیگری است

از ضمیر خاکیان یکسر خبر دارد بهار

ناله بلبل کجا از خواب بیدارش کند

بالش نرمی که از گل زیر سر دارد بهار

بس که می نالد ز شوق عالم بالا به خود

خاک را نزدیک شد از جای بر دارد بهار

می کند از طوق قمری حلقه نام سرو را

قد موزون گران رو در نظر دارد بهار

قاصد مکتوب ما، (صائب) همان مکتوب ماست

از شکوفه نAFE های نامه بر دارد بهار(۱)

و مرغان سحر در هر ورق گل، قصه ای دیگر می خوانند و غزلی نغزساز می کنند چنانکه صاحب «منطق الطیر» عطار نیشابوری سروده است:

بلبل به سحر گه غزل تر می خواند

تا ظن نبیری کان غزل از بر می خواند

از دفتر گل باز همی کرده ورق

در هر ورقش قصه ای دیگر می خواند

و آن دیگر دل سوخته نغز گفتار، بهار را شیدایی آن سر و خرامان می داند که در طلب او پایش آبله دار شده و رنگ و بوی زیبایی خود را مرهون جلوه آن لاله عذاری می داند که واله دیدار اوست و از زاهد عزلت نشین می خواهد که کمتر از غنچه نباشد و با نسیم بهار از خرقه برون آید:

بس که دنبال تو ای سرو خرامان گشته است

پایش از شبنم گل آبله دار است بهار

رنگ از او بوی از او حسن و لطافت همه او

بی خود از جلوه آن لاله عذار است بهار

غنچه در پوست نگنجید ز تاثیر نسیم

زاهد از خرقه برون آی بهار است بهار(۱)

و آن ژولیده شیرین سخن در اشتیاق بهار، زود تر به مصّلی رفته و از باغبان می خواهد که، کلید باغ را زود به او بدهد، چرا که زودا شود که با قدم بهار قمری بر چنار آید و بلبل به ترنم! و خواستگاران عروس بهار باغ، در کوچه آن ازدحام کنند و شاید دیگر او را توفیق دیدار باغ میسر نگردد!

ص: ۱۳۸

ز باغ ای باغبان ما را همه بوی بهار آید

کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید

کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید

تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید

چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید

تو را مهمان نا خواننده به روزی صد هزار آید(۱)

صاحب دلی باغ را در زمستان سکوت و در عزلت عبادت، مصداق «ایاک نعبد» دیده و سر به جیب مراقبت و سجود قرب فرو برده تا دیگر بار در بهار با اذان باد سر گلدسته سرو، سرود قد قامت «ایاک نستعین» سر دهد؛

«ایاک نعبد» است زمستان دعای باغ

تا در بهار گوید: «ایاک نستعین»(۲)

و آن خلاق المعانی شوریده سر، آشوب بلبل و فراش صبا و پیراهن دریده گل را، حاصل تجلی رخ بی مثال دوست می داند.

وقت است که باز بلبل آشوب کند

فراش صبا ز باد جاروب کند

گل پیراهن دریده خون آلود

از دست رخ تو بر سر چوب کند(۳)

شیدا دلی دیگر که مستغرق جمال یار است و ایام بکام و فارغ از گذشت لیالی و ایام، عید نوروز را ارزانی دیگران می داند:

اندر دل من مها دل افروز تویی!

یاران هستند ولیک دلسوز تویی!

شادند جهانیان به نوروز و به عید

عید من و نوروز من امروز تویی(۴)

- ۱- فرخی سیستانی.
- ۲- مولوی.
- ۳- کمال الدین اصفهانی.
- ۴- مولوی، غزلیات شمس.

و آن فیلسوف، تاسف به ناکامی های ایام ماضی را ناخوشی دل و دماغ می پندارد و خوش باشی و شنا در حوضچه اکنون را در معیت روی دل افروز و مصاف باد نوروز غنیمت می شمارد:

بر چهره گل، نسیم نوروز، خوش است

در صحن چمن روی دل افروز خوش است

ازدی که گذشت هر چه گویی خوش نیست

خوش باش وز دی مگو، که امروز خوش است(۱)

و آن دیگری بهار دل را در آمدن آن گلی می داند که با آمدنش بهار می روید و از شاخه های خشکیده اش گل اشتیاق می جوشد:

بهار گل شد و پاییزم ای گل

ز عطر یاد تو لبریزم ای گل

اگر چه شاخه ای خشکیده دارم

بیا تا پای تو گل ریزم ای گل(۲)

او اهل دل با رنگین کمان اشک و مهر از بهار ظاهر به بهار باطن سفر می کنند و بر بام بلند مقام بسط با وجد و حال می سرایند:

ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی

من نگویم چه کن، از اهل دلی خود تو بگوی

شکر آن را که دگر بار رسیدی به بهار

بیخ نیکی بنشان و گل توفیق ببوی(۳)

ص: ۱۴۰

۱- خیام نیشابوری.

۲- ابوالفضل فیروزی (نی نوا).

۳- دیوان حافظ.

ارباب اهل دل از ما می خواهند که غم دنیا بزداييم از دل و هوای می و معشوق ازل بنماييم و توفيق طريق رضایش جوييم:

بهار

گل طرب انگيز گشت و توبه شکن!

بشادی

رخ گل، بيخ غم ز دل برکن!^(۱)

و سالکان طريق عشق از نسيم باد نوروزی نفعات انس را می بويند و در سلوک خویش از اين باد مدد می جويند:

زکوی یار

می آید، نسيم باد نوروزی

از اين باد

ار مدد خواهی چراغ دل بر افروزی^(۲)

و بنا بر شريفه:

«الا- فی الأیام دهر کم نفعات، فتعرضوا بها؛ در روزهای زندگی شما نسيم های خوشی است پس خود را در معرض آن قرار

دهید».^(۳)

چنانکه مولانا گوید:

گفت

پیغمبر به اصحاب کبار

تن

مپوشانید، از باد بهار

و آن دیگری رندانه گوشزد می کند:

سخن

در پرده می گویم، چو گل از غنچه بیرون آی

که

بیش از پنج روزی نیست، حکم میر نوروزی (۴)

و می خواهد خود را چونان غنچه در مصاف این نسیم رحمانی قرار دهیم که مدت آن قلیل است و توفیق درک آن نادر.

ص: ۱۴۱

۱- همان.

۲- همان.

۳- احادیث مثنوی معنوی فروزان فر.

۴- دیوان حافظ.

شیخ اجل سعدی شیرازی نیز در قصیده بهاریه بر کلک آن نقاش کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت، جان افشان نموده و پاکوبان سرانداخته و همه را به ضیافت الله در مسجد آینه بهار دعوت نموده و صوفان خلوت گزیده را به تماشای این ضیافت فراخوانده تا با سرود آفرینش هم نوا شوند:

بامدادی که تفاوت نکنند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

صوفی از صومعه گو، خیمه بزن بر گلزار

که نه وقت است که در خانه بخشبی بیکار

بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق

نه کم از بلبل مستی تو بنال ای هشیار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

کوه دریا و درختان همه در تسبیحند

نه همه مستمعی، فهم کند این اسرار

سالک طریق یا صوفی ابن الوقت، این توفیق را از دست نخواهد داد و خود را به خلعت ضیافت دیدار یار مزین خواهد ساخت:

باد نوروز وزیده است به کوه و صحرا

جامه عید بپوشند، چه شاه و چه گدا(۱)

و خلوت گزیدگان را به تماشای باغ و صحرا حاجت نیست، چرا که به گلگشت در سرزمین همیشه بهار دلشان مشغولند و در

عید دیدار معشوق، مشعوف!

همه در عید به صحرا و گلستان بروند

من سر مست ز میخانه کنم رو به خدا(۲)

و دیگری در همین پرده می نواز د که:

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است؟

چون کوی یار هست به صحرا چه حاجت است؟(۳)

ص: ۱۴۲

۱- دیوان اشعار امام خمینی رحمه الله.

۲- همان.

۳- دیوان حافظ.

گرچه از خلوت به در شدگان، در عالم کثرت نیز سیر می کنند و جز وحدت چیزی نمی بینند، چنانکه در آیه ی کریمه آمده است:

((قل سیروا فی الارض فانظروا آثار رحمة الله)) (۱) و نیز ((أینما تولوا فثم وجه الله)) (۲).

و به قول بابا طاهر همدانی:

به

صحرا بنگرم، صحرا تو بینم

به

دریا بنگرم، دریا تو بینم

به

هر جا بنگرم کوه و در و دشت

نشان

از قامت رعنا تو بینم (۳)

و از سر وجد و حال می سرایند:

بهار

آمد، بهار آمد، بهار خوش نگار آمد

نگار

آمد نگار آمد، نگار گل عذار آمد (۴)

و پیران معرفت حتی در کهولت سن با آمدن بهار ظاهر و باطن جوانی (۵) کرده و می گویند:

بهار آمد، جوانی را پس از پیری ز سر گیرم

کنار یار بنشینم، ز عمر خود ثمر گیرم

پر و بالم که روزی از غم دلدار پر پر شد

به فروردین به یاد وصل دلبر بال و پر گیرم (۶)

ص: ۱۴۳

۱- قرآن کریم.

۲- قرآن کریم.

۳- دیوان بابا طاهر.

۴- مولوی، غزلیات شمس.

۵- بهار باطن: حالت بسط گویند.

۶- دیوان اشعار امام خمینی رحمه الله.

و گاهی نیز سالک در فراق یار و هجران دوستان و یا عدم ثبوت تجلی ذات نگار و مشاهدات علی الدوام یار، علی رغم آمدن ربیع و فصل بسط، حالت قبض گرفته و چنین سروده:

بهار آمد که غم از جان برد، غم در دل افزون شد

چه گویم کز غم آن سرو خندان جان و دل خون

شد(۱)

گاهی نیز با آمدن بهار و عدم توفیق دیدار یار، حسرت زده از سوز دل آه می کشد و غم گنانه می موید:

سحر

از سینه ام سوزت بر آیه

ز

اشکم لاله خونین در آیه!

تو

گفتی با بهار دیگر آیم

نشینم

تا بهار دیگر آیه!(۲)

و دیگری با آمدن بهار از نیامدن نگار گلایه دارد و گل را بی رخ یار خوش نمی دارد و بی باده بهار را:

بهار

آمد بهار من نیامد

گل

آمد، گل عذار من نیامد

چراغ

لاله روشن شد به صحرا

چراغ

شام تار من نیامد (۳)

و آن دیگری بی معشوق گل اندام چون گل بی وفای خویش، بهاران را دلگشا نمی داند و به سبزه خرمی و در گل صفا نمی یابد:

بهاران

بی تو هرگز دل گشا نیست

به

سبزه خرمی در گل صفا نیست

بیا

از باغ الفت گل بچنیم

که

در طبع جهان، ای گل وفا نیست

ص: ۱۴۴

۱- همان منبع.

۲- ابوالفضل فیروزی (نی نوا).

۳- مشفق کاشانی.

وقتی بهار با سپیدی شکوفه هایش از دریچه چشمانم سرک می کشد، موج اشکی فرو خفته، از درون سینه تنگم به دیواره دل می کوبد و تو را می جوید.

بهار زیباست، لطیف و دوست داشتنی است، اما بی تو ای زیباترین! ای لطیف ترین! ای بهار جان و ای طراوت بهاران! هیچ زیبایی، دلم را بر نمی انگیزد؛ که دل در فراق تو سوخته دارم و نگاه در راه تو دوخته.

ای بهاری ترین فصل ها! (۲) ای سبزترین بهاران! دور از نگاه مهربان تو، دور از عنایت رحیمانه تو و دور از سرانگشت لطف تو، خزانیم و سرد، خشکیم و عطشناک. فراق تو برف سپید کهولت بر چهره مان می نشاند. بیا که با تو بهاری شویم، بروییم و بیدار گردیم؛ که رویدن، تنها به زلال عشق تو معنا می یابد و باقی رویدن ها، ماندن است و پژمردن.

بیا ای شاداب ترین جوانی! دست کدام خزان پیری است که جرئت آزدن گل وجود تو را داشته باشد، گرچه سال ها و قرن ها از حضور زلالیت بگذرد. چهره زیبای تو ای نورانی ترین! که را مجذوب نساخت و چشم اشتیاق که را به راه منشاند؟ کدام چشم بود که به نگاه نافذ و گیرای تو لرزید و از اشک

ص: ۱۴۵

۱- منیره زارغان. (بر گرفته از کتاب روح بهار).

۲- «السلام علی ربیع الانام»؛ (مفاتیح الجنان، ص ۸۷۴).

فراق خالی ماند؟ کدام زبان است که بتواند «حسن ثنای» تو بگوید؟ (۱) و کدام قلم است که تاب چرخش در وادی وصف تو داشته باشد؟ جمال روی ماه تو در کدام کلام می گنجد و جلال خورشیدی تو در کدام وصف می آید؟

* او خواهد آمد و به قلب های مرده مان روح حیات خواهد دمید. ریشه گمراهی ها و دشمنی ها را بر خواهد کند. او خواهد آمد و آثار اندیشه های باطل و هواهای نفسانی را محو خواهد کرد؛ بر زمین، باران عدل خواهد بارید. او خواهد آمد، صاحب روز فتح و پیروزی، مژده رسان فتح، نسیم خوش عطر هدایت و نصرت، آینه تجلی خدا و در آن به تماشای خدایی بودن خواهیم نشست. در گاه خدایی بهشت روی خواهد نمایاند و از آن به وادی سعادت ره خواهیم یافت. او خواهد آمد و بر گستره زمین، زلال پاکی جاری خواهد کرد. سینه های تنگ مان آن روز شفا خواهد یافت. از مدد الهی لبریز می شویم که او رحمت واسعه است و پهنای زمین در برابر گستردگی رحمتش دانه ای خرد خواهد کرد.

وقتی که موعود بیاید، قرآن حیاتی تازه می یابد، حدود بر زمین مانده الهی، بر پا می گردد، راه، نمایانده می شود و گمراهی ها پایان می گیرد.

او می آید با یک بهار سبزی و ترنم، با یک آسمان باران رحمت و با یک نگاه رحیم.

و دنیا چه می خواهد برای زیر و رو شدن و از تاریکی و عطش بیرون آمدن و بهشت را مجسم کردن.

ص: ۱۴۶

۱- «کیف اصف حسن ثنائکم»؛ (همان، ص ۹۰۶).

آقای من! غروب، بار سنگین دل تنگی مرا هر شب به دوش می کشد؛ سنگینی پلک هایم و نگاهی که دین را از یاد برده. کورکورانه زیستن را خوب آموختم. توان نوشتن ندارم. واژه هایم گرد و غبار گرفته. باور کن که باورت کردم. بی تو زندگیم را تمام کردم. حالا نفس کشیدن، منت سرم می گذارد. حس می کنم هوای اینجا سرد و سنگین است. بین نقاشی عشق می کشم و گم شدن در نگاه تو که آرامش می دهی. آری، نبض سکوت حرفی برای گفتن دارد، اما نوری در راه است؛ نور امید و روشنایی، نور صفا و صلح و صداقت.

او خواهد آمد و به این انتظار، پایان خواهد داد. اویی که مانند عیسی بن مریم علیها السلام در گردش است و مانند یوسف بن یعقوب علیه السلام ناشناخته است و مانند موسی علیه السلام بیمناک و نگران است و مانند محمد صلی الله علیه و آله در جهاد است. اویی که با آمدنش، جهان را نورانی خواهد کرد و سرانجام به شمشیر - که سمبل حدید و قدرت است - به عدل و داد قیام خواهد کرد. بیا و راز این غیبت را مانند خضر نبی علیه السلام آشکار کن. تا تو با منی، خاموشی سخن را نمی دانم. از شوق تو در آسمانم. همین که بهانه روز و ماه و سال و ترانه هایم تویی، به خود می بالم.....

منیره آجرلو - تهران

دیوار کعبه، انتظار تکیه آن سوار را می کشد. حجر الاسود، آرزوی توتیای گرد رُخش؛ کوه، انتظار آن نستوه و جویبار، انتظار آن آبشار را دارد..

ای بزرگ مرد! ای روح قرآن در سینه! ای از سلاله طه! ای موعود منتظر! کی خواهی آمد تا مرهمی بر زخم سینه مستمندان و دردمندان تاریخ نهی؟ در انتظار جمعه ام تا تو بیایی، ای گل زهرا! ما اسیران زندان غیبت، چشم انتظار تویم. زندانی که دیوارهای بلندش را با دستان خود ساخته ایم و حال، از خراب کردن این دیوار، درمانده ایم و چشم به راه تویم تا تو بیایی. یابن الزهراء! بیا که مادرت در بین در و دیوار، تو را می خواند. بیا! ای منتقم آل علی! بیا که فرق شکافته علی علیه السلام، جگر پاره پاره حسن علیه السلام

و سر بریده حسین علیه السلام تو را می خواند. ای مقتدای عینی! بیا و با گوشه چشمی، دل های مرده ما خاکیان را زنده کن. بیا و چشم های بی فروغ ما را با جمال نورانیت، سویی دوباره بخش. بیا که دیگر طاقت شنیدن طعن ها را نداریم. آخر تا کی صدای دیگران را بشنویم و حتی کوچک ترین صدایی از تو به ما نرسد؟ بیا مهدی جان که جهان در انتظار تو و عدل توست. یا مولا! همه، چشم به راه بهاری هستند که زندگی را به جهان برگرداند. مولا! بهار من تویی و روح خسته من، چشم انتظار توست..

فاطمه خدابخش - تهران

ص: ۱۴۸

زمان در جنگل سبز نگاهت، رود گشته و پلک ها، باران حضورت را می جویند. چندین بیابان، مانده تا در آبادی عشقت پای نهیم؟ تاول های دنیا پای رفتنمان را برید. با صوت الهی ات بنواز در آسمانی که در آغوش کشیده تو را، چرا که روح سرگشته ما، در پی شهاب های امدادت، خورشید هستی بخش را تمنا دارد. افسوس، زنجیر پوشالی شیاطینِ هوس با نقاب های دروغین به سوی خودشان می کشانندمان. تنها تویی که می دانی اشک هایم تو را می خواند. در حضور فرشته های دعا، برایمان دعا کن؛ ای بهترین واژه بی تکرار.

یا مهدی! لحظه لحظه های عمرم، بی عطر یادت پوچ است. چشم های در خواب فرورفتگان؛ بهار انتظار را در پاییز می نگرند و بهترین امید در دل های منتظران، طلوع پر درخشش خورشید کعبه عشق است. خدا کند ساحل دیدگانمان، صبح دلنشین تو را نظاره گر باشد، ای پاک ترین چشمه سار حقیقت.

محبوبه باسیری - اهواز

آسمان همچنان ابری است و خورشید در پشت ابرهاست. هوا سرد است و زمستانی. گرمای خورشید، زمین و زمینیان را گرم نمی‌کند. طبیعت از مهمانی تابش نور خورشید محروم است و هواشناسی هم خبر خوشی از تغییر وضع موجود نمی‌دهد. علائم، نشان از وزش باد می‌دهد؛ اما می‌گویند باد فتنه‌است، بادی که ابرها را جا به جا کند و خورشید را در بالای سر مردمان، نشان دهد، نیست. و مردم گویا برای رؤیت خورشید، عجله‌ای ندارند و اصلاً فکر نمی‌کنند که آیا کاری از آنها بر می‌آید یا نه؟ و نمی‌پرسند چه کسی باید کاری کند. حتی برای آفتابی شدن دعا هم نمی‌کنند. چه شده است؟ آیا به گرمای مصنوعی و خود اختراع کرده، دل خوش کرده اند؟ آیا از تابش شعاع پرنور و با حرارت آفتاب، مأیوس شده اند؟ آیا ارتباط با خداوند را چاره کار خود نمی‌بینند؟ آسمان، آماده بارش باران نیست. گویا ابرها فقط و فقط برای محروم کردن مردم از رؤیت خورشید و دادن فرصتی دوباره به شب پره‌ها و جغدها هستند، که از کم نوری عالم استفاده کنند و خود را نشان دهند. کسی بیاید و به این مردم بگوید که خدا را در آسمان، خورشیدی فروزنده است. به نام مهدی؛ فقط کافی است بخوانید و بخواهید.

علی جبارزاده - قم

ص: ۱۵۰

مگر می توان بُرد دلی را که میهمان جمکران شده است؟ مگر می توان گشود سر انگشتانی - را که به ضریح عنایت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گره خورده است؟ مگر می توان برخاست از کنار سفره لطف و احسانی - که همه تشنگی های وجود را برطرف ساخته است؟ تن خسته را به این امید از درگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون می برم و دل آشفته را به این امید، در آستان محبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جا می گذارم که باز هم، باز هم، باز هم میهمان جمکران باشم و به این امید، وداع می گویم که هزار بار سلام می کنم.

پرستو فیلی - کرمانشاه

ص: ۱۵۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

